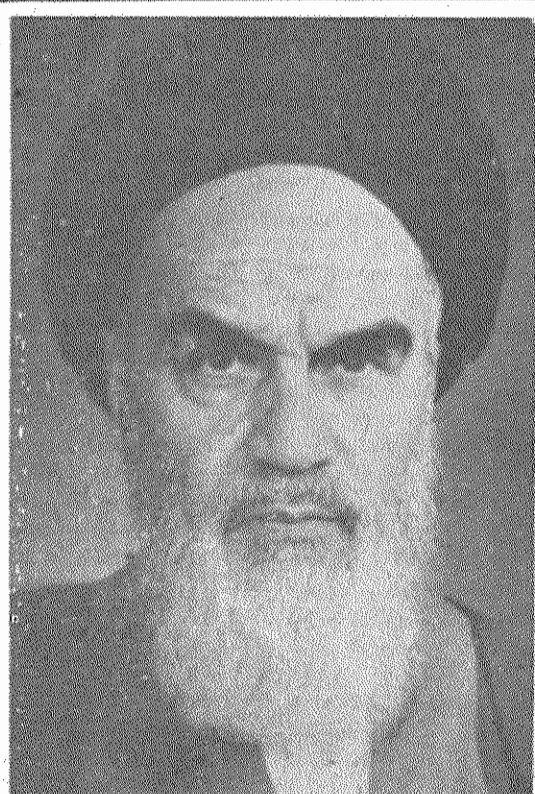


عید نوروز را به هموطنان گرامی صمیمانه تبریک میگوئیم و موفقیت مردم ایران در مبارزه بخاطر تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب را آرزو مندیم



شادباش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران به امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در آستانه دومین بهار آزادی و مناسبت عید نوروز، عید همه خلق ستمکش و امیدوارما، کمیته مرکزی حزب توده ایران شادباش های گرم خود را به حضور شما تقدیم میدارد و تندرستی و شادکامی شما را آرزو میکند.

خیروبرکتی که رهبری شما برای انقلاب ما و کشور ما و همه مردم زحمتکش ما به همراه دارد، آنچنان قاطع و اثربخش است که تردید نداریم همه زجر کشیدگان و محرومان جامعه، همه نیروهای اصیل انقلابی و مترقی، و درمیان آنها کلیه اعضا و هواداران حزب توده ایران، که چشم امید به ثمرات انقلاب بزرگ ما دوخته اند، در این آرزوی قلبی و صمیمانه همصدای ما هستند.

ما راه درازی برای پیشبرد انقلاب و رسیدن به هدفهای ضدامپریالیستی و خلقی آن در پیش داریم و برای پیمودن این راه، بوحدت کلمه و عمل همه نیروهای که این انقلاب عظیم را به پیروزی رسانند، نیاز حیاتی است. به شهادت تاریخ و انقلاب ما، رهبری شما نقش قاطع در نیل به این اهداف و در پیمودن این راه دارد.

آرزو داریم در سالی که می آید، انقلاب ایران در نبرد علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و بقایای رژیم مخلوع و در جهاد سازندگی برای بنای ایرانی مستقل، آزاد و آباد، برای سعادت توده مردم، زیر رهبری پیگیر و مدبرانه شما و به نیروی متحدهم مردم انقلابی ایران، به پیروزیهای بازم بیشتر و بزرگتری نائل آید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول: نورالدین کیانوری

توجه!

بمناسبت تعطیلات عید «نامه مردم» از روز چهارشنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۸ تا شنبه ۵ فروردین ۱۳۵۹ منتشر نمیشود. شماره آینده «نامه مردم» روز چهارشنبه فروردین ماه منتشر خواهد شد.



رفیق کیانوری:

دشواریهای بسیار زیادی که در برابر انقلاب قرار گرفته، تنها با کمک جبهه متحد خلق قابل رفع است

بمناسبت گذشت یکسال از فعالیت علنی حزب توده ایران پس از پیروزی انقلاب، در آستانه عید نوروز «نامه مردم» بارفوق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران گفت وگویی درباره سیر تکاملی انقلاب و وظایف حزب داشت، که در زیر مهمترین نکات آن به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

تا قبل از پیروزی انقلاب، دو جنبه اول و دوم بطور عمده چهره جنبش انقلاب را مشخص میکرد و به تبعیت از همین وضع، محتوی طبقاتی مجموعه جنبش، یعنی طیف نیروهای طبقاتی که در جنبش شرکت داشتند، مشخص میگردد. این طیف طبقه کارگر، دهقانان، اقشار میانی خرده بورژوازی شهری (پیشهوران، روشنفکران، مین دوست، کارمندان پایین رتبه دولت) و سرمایه داری ملی (یعنی اقشار کوچک و متوسط سرمایه داری) را دربر میگرفت. ولی البته شرکت این طبقات در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد و غارتگری سرمایه داری بزرگ وابسته و بزرگ مالکان بیچوجه برای آماجهای یکسانی نبود.

پایان بخشیدن به تسلط غارتگرانه امپریالیسم و رژیم سلطنتی متکی به کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، در چارچوب والا ترین هدفهای انقلاب ایران، یعنی انقلاب کامل دمکراتیک ملی مطرح بود. طبقه کارگر خواستار این بود که با بریدن همه زنجیرهای اسارت امپریالیستی، به غارتگری بی بندوبار سرمایه داری خودی، که در مراحل در جریان گسترش، به وابستگی با امپریالیسم خواهد انجامید، پایان داده شود. طبقه کارگر خواستار برگزیدن راه رشد غیر سرمایه داری بود، راهی که استعمار و غارت سرمایه داری را در همه ابعادش محدود سازد و مالکان دهکده که نیروهای ملی و ارزشمندی جامعه از بازده کار زحمتکشان، در درجه اول برای بهبود شرایط زندگی بقیه در سینه ۶

یکسال از انقلاب بزرگ مردم ایران گذشته است. چنانکه معلوم است روند انقلاب ایران در سیر تکاملش بسیار پرنیج بوده است. نبرد طبقاتی شدیدی برای تعیین سمت آینده و گسترش انقلاب ایران در جریان است. چشم انداز آینده انقلاب ایران را چگونه می بینید؟

پاسخ: در این زمینه سلسله مباحث با من موافق هستم که انقلاب شکوهمند مردم ما، در عین اینکه بطور عمده در چارچوب اعتقادات انقلابی و عدالتجویانه اسلام انجام گرفته، در همه ابعادش دارای یک محتوی روشن طبقاتی بوده و هست. یکی از عمده ترین ویژگیهای انقلاب ایران هم در همین است که نیروی محرکه ناشی از اعتقادات عدالتجویانه، ضد استعماری و ضد استبدادی مذهبی، با نیروی محرکه نیرومند ناشی از تعهد و تضادهای درونی جامعه، تضادهای ناشی از برخورد خواستهای طبقات محروم و تحت فشار امپریالیسم از یکسو و امپریالیسم و طبقات حاکم از سوی دیگر، در یک جهت قرار گرفته و در یک جهت عمل کرده اند.

انقلاب ما انقلابی است ضد امپریالیستی و در درجه اول ضد امپریالیسم آمریکا. انقلابی است ضد استبداد سلطنتی. انقلابی است خلقی و مردمی، یعنی ضد کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم، که پایگاه عمده طبقاتی رژیم جنایتکار پهلوی و نظام استبداد سلطنتی و کارگزاران قدرت انحصار های سرمایه داری امپریالیستی بوده اند.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۱۹۵
سه شنبه ۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ روال

گفت و شنود با رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره انتخابات

مسئولیت دخالت ها و نارسائی ها در انتخابات مجلس شورای ملی با شورای انقلاب و ریاست جمهوری است

در صفحه ۱۱



در ۱۲ صفحه امروز:

فعالیت های ضد انقلاب و کارشکنی های بورژوازی لیبرال، تلاش عبث برای نجات امپریالیسم خارجی و سرمایه داران داخلی

سالگشت ملی شدن صنعت نفت

دستاورد های انقلاب در سالی که گذشت

چهارشنبه سوری و سیزده بدر

سرود پنجم حزب توده ایران

عید به کوچ ما نیز آمد...

اشعاری از: احسان طبری، سیاهش کسرانی، موج و ا.ع. البرز

حاجی فیر و ز پیک شادی یا؟...

اعلام جرم علیه روزنامه جمهوری اسلامی

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

رفیق کیانوری: دشواریهای بسیار زیادی که در برابر انقلاب قرار گرفته، تنها با کمک جبهه متحد خلق قابل رفع است

بقیه از صفحه ۱

اکثریت مردم، یعنی توده های دهها میلیون محرومان شهر و روستا و قبل از همه بسود کارگران و دهقانان تبیست و سایر زحمتکشان شهر و روستا بکار افتد، نه برای انباشتن کینه بر آرزو سرمایه داران و مسته بازان و رباخواران و زمین خواران.

قشرهای پایینی و محروم خرده بورژوازی و بویژه دهقانان تبیست و زحمتکشان خرده پای شهری، که تقریباً همه از میان همان دهقانان تبیست بیرون آمده و به شهرها روی آورده اند، برای خواستهای نزدیک به خواستهای طبقه کارگر در مبارزات انقلابی شرکت میکنند. شمار عدالت اجتماعی و نابودی استثمار برای این اقشار محتویات همان برانداختن تسلط غارتگرانه امپریالیسم و کلاک سرمایه داری وابسته و بزرگ مالک و بحدود کردن غارت سایر اقشار سرمایه داری بود. این اقشار هنوز هم با تمام نیرو برای تحقق همین شمار و رسیدن به همان آماجها مبارزه میکنند.

قشرهای بالایی و مره خرده بورژوازی و اقشار پایینی سرمایه داری هدفهای دیگری داشتند. آنها تسلط غارتگرانه انحصاری های امپریالیستی و سرمایه داران وابسته و مالکان بزرگ در فشار بودند. آنها از برانداختن این بخشهای خون آشام، این انتظار داشتند که امکانات تازه ای برای گسترش فعالیت سودآور اقتصادی آنان برآوردند. این اقشار از دهها میلیارد دلار، که برای خرید اسلحه بدمیرفت و یا به حساب خانواده پولوی و دستیارانش و یا بانکهای خارجی سرانبر می شد، سهم بیشتری برای خود خواستار بودند.

قشر بالایی سرمایه داری ملی، یعنی بورژوازی ایران در موضع دیگری قرار داشت. این قشر هم لنگ لنگان در جریان انقلاب شکوهمند ایران شرکت کرد، ولی آماجهایش با آماجهای نیروهای جبهه متحد خلق، که در بالا ذکر شد اختلاف کیفی داشت.

بورژوازی ایران در مبارزه علیه امپریالیسم شرکت میکرد، ولی نه برای برانداختن تسلط همه جنبه امپریالیستی بر همه شئون زندگی اجتماعی ملت ما، بورژوازی ایران با سلطنت استبدادی و غارتگری انحصاری امپریالیست ها و وابستگانشان در ایران مخالفت داشت. در حاکمیت سیاسی و شرکت بیشتر در سودبری از نیروهای بیکران ملی را خواستار بود. همین جهت بورژوازی ایران، که همان گردانندگان بازار غیر اسلامی، بخش مشخصی از آنها تشکیل میدهند، خواستار شرکت موثر در قدرت حاکمه، خواستار تقسیم عادلانه نیروهای ملی با غارتگران رژیم استبدادی بود. موضعگیری ضد استبدادی این قشر در چارچوب برقراری سلطنت مشروطه و پیوسته سلطنت استبدادی فردی و موضعگیری ضد امپریالیستی این قشر در چارچوب حفظ عمده و مناسبات با امپریالیسم و تقییب مذهب و آن در چارچوب سیاست «گام به گام» جای می گرفت. همین دلیل هم پلافاسله پس از قیام شکوهمند پهن، که دولت بطور عمده در دست نمایندگان این قشر سازشکار، بسی بورژوازی لیبرال افتاد، بین خواستهای توده های انقلابی و این قشر تضادهای گریزناک و هر روز شدت یافت، تا آنجا که ادامه سیاست «گام به گام» دولت مینس بازرگان، همه دستاوردهای انقلاب، مستگیری ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری وابسته و ضد دولتی آفرابه خطر انداخت.

دولت مینس بازرگان سقوط کرد، ولی اشتباه است اگر تصور کنیم که بورژوازی لیبرال سازشکار و تسلیم طلب، بکلی از اریکه قدرت سرنگون گشته است. اشتباه است اگر تصور کنیم که مبارزه طبقاتی با نیروی توده ها پایان یافته است.

اینطور نیست. با برکنار شدن دولت

درجهه نیروهایی که همه زیر پرچم اسلام مبارزه میکنند، در گرفت و شدت یافته است. بازتاب همین مبارزه طبقاتی است. مبارزه بزرگ مالکانی مانند آیزدی عامله استاد رضا صفهانی، مبارزه مدافعین مالکیت بی حد و حصر بنام اسلام و روحانیت مبارز که برای «مالکیت مشروع» حدود بسیار محدودی قائل است، مبارزه بین آنان که مصادره اموال غارتی را «عشر اسلامی» می دانند، و آنها که این مصادره را شرط اساسی برای پایه گذاری عدالت اجتماعی اسلامی می بینند و بدان عمل میکنند، بازتاب همین مبارزات طبقاتی است.

چنانچه انداز آینه انقلاب ایران هم در همین مبارزه طبقاتی دیده میشود. در این نبرد میان بورژوازی لیبرال برای حفظ بی چون و چرای نظام سرمایه داری - که از طرف ضد انقلاب هم بطور هم چانه پشتیبانی می شود - و توده های خلق برای محسود ساختن و پایان دادن به غارت سرمایه داری، برای پایان بخشیدن به استثمار فرد از فرد - آنگاه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویب رسیده است - آینه انقلاب ایران تبیین خواهد شد.

در هر حال، با در نظر گرفتن تضادهای روز افزون جامعه ما، با در نظر گرفتن رشد آگاهی طبقاتی در وسعتین اقشار توده های زحمتکش شهر و روستا و بویژه جوانان باید انتظار داشت که سال آینده، سال زرف تر شدن انقلاب ایران، سال تثبیت و تحکیم و گسترش باز هم بیشتر دستاوردهای ضد امپریالیستی و خلقی و دمکراتیک آن باشد.

پوشش دوم:

حزب ما با امکانات کم و دشواری های بسیار، فعالیت عینی خود را برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران، برای بازسازی و نو سازی جامعه آغاز کرد.

در مسیر تکاملی انقلاب ایران وظایف توده های ما، بویژه در تحکیم و گسترش حزب و در مبارزه بی خاضع تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب چیست؟

پایتخت، پریش شما گویای یک واقعیت انکارناپذیر است. واقعاً اینطور است که نسبت سازمانها و گروههای سیاسی در ایران، و حزب ما با امکاناتی بسیار کمتر از آنها و با امکاناتی بسیار کمتر از آنها، در هر یک از اینها خود نشان دادند. در هر یک از اینها خود نشان دادند. در هر یک از اینها خود نشان دادند.

مبارزه های که در ماهها و هفته های اخیر میان گروهها و گرایشهای مختلف

احسان طبری

انقلاب

فروزان اختیاری برخاست بر گردون خضرائی ز خسارستان خسون آلود جسانبازان شیدانسی چسان اختر؟ که صبحی آتشیندم دارد اندر پی سیاه نور پارانیش روان باشد به همپانی چسان اختر؟ که مرزبش شکافد با فروغ خود نپان را بر نمی تابد، زبس پاکمی و پیدائی برآمد شپسوار ارضوان از خون مظلومان ای خرد و کلان! چنید از بسپر پذیرائی سپر رنگی اگر حربا برآرد خویش را دیگر نخواهد از بلایش و ارهاند خوی حربانی ظهور داور عدل است و سپر جمله پندخواهان زمان شرمساریسا رسید و گناه رسوائی از این شوریدگیسا دل مرتجانید، تا روزی یکم ناستوان بسریا شود آتین شورانی کلند انقلاب اول کسین ویران کند، آخر خداوند عطا بخش است و سپر چمگلی دارد رفاه و تندرستی، دانش و رائی و زیبایی تو ای دیوی که خواهی در کنشی در گام این اختر و چسودت را بسوزاند به اسوار اهورانی همه نیرنگ تو در عرصه تاریخ شد بیرنگ زسانت سرنگون فرمود تفت حکمفرمانی ز سیر اختر سرخی بر اوج چرخ دانستم که گویای چه پیغامی است از صبح فردائی اسفند ۱۳۵۸

تکه به این جهت عمده کار حزبی، بهیچوجه به آن معنی نیست که به جهت دیگر کارما، یعنی کار برای گسترش فعالیت حزب در میان سایر اقشار کمتر توجه شود.

حزب ما باید به کار در میان دهقانان از راه ایجاد هسته های حزبی در روستاها، فعالیت برای متشکل کردن دهقانان بی زمین و کم زمین در کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین، بمنظور اجرای فوری و همه جانبه قانون اصلاحات ارضی و ایجاد کسب برای خواستهایشان توجه بسیار مینماید.

حزب ما باید به متشکل ساختن سایر زحمتکشان شهر، کارگران اصناف، آموزگاران، کارکنان زحمتکش بهداشت، کارمندان جزء ادارات و بنگاههای بخش دولتی و خصوصی پیش از پیش بپردازد.

حزب ما باید به امر تشکل زنان و جوانان توجه خاص و همه جانبه مینماید و داد و بویزه از تلاشهایی که در جهت

همکاریهای ایران و اتحاد شوروی در احداث نیروگاهها

این نیروگاه از لحاظ اقتصادی با صرفه است، زیرا در این محل پالایشگاه نفت بزرگی ساخته می شود که بزرگترین مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

مصوبات این پالایشگاه، بزمین گاز و تولید و مازوت و دیگر فرآورده ها خواهد بود، در محل ازمازوتی که این پالایشگاه تولید می کند، نی توان استفاده کرد و در ضمن حمل آن به مناطق دیگر گران تمام می شود و از لحاظ اقتصادی صرفه نیست و همین علت کارشناسان اتحاد شوروی را در این مورد است.

این نیروگاه در نزدیکی پالایشگاه انتخاب کرده اند تا از مازوت تولیدی پالایشگاه مصرف سوخت نیروگاه تامین گردد.

سطح تکنیکی این نیروگاه از لحاظ استاندارد جهانی در سطح عالی و تقریباً بی نظیری خواهد بود.

اکنون ساختمان نیروگاه بزرگ دیگری که با همکاری شوروی کارشناسان شوروی احداث میشود در نزدیکی اهواز در شرف پانان است. این نیروگاه، که نیروگاه

رامسین نام دارد، قدرت تولیدی آن یک میلیون و دویست هزار کیلووات خواهد بود. اکنون نخستین توربین آن با ظرفیت ۳۱۵ هزار کیلووات بکار افتاده که از برق آن در رشته های صنعتی استفاده میشود.

یک سلسله نیروگاه، که با همکاری کارشناسان شوروی و ماشین آلات و وسایل فنی اتحاد شوروی احداث گردیده در منطقه مرزی ایران و اتحاد شوروی است استفاده از نیروی آب رود آرسا کار میکنند که از برق آنها مناطق

دچارند از حقوق بشر کاتر است و از حقوق بشر کاتر جز آن انتظاری نیست. قتل و جرح و حبس و شکنجه از رایج ترین اصول حقوق بشر است که والد های ما، مجبور به دفاع از آن است. بهوش باشید که همه حرکت های مدبوحانه ای که امریکای توطئه گر انجام میدهد، همان تلاش تبلیغاتی کاتر است برای انتخابات ریاست جمهوری که بر همه ماست آن را خنثی کنیم. مگر مو توان با مطرح کردن آزادی کروگانها، جنایات هولناک چندین ساله را که آثارش بر همه مشهود است، بردننا پوشیده داشت؟ مگر کاتر می تواند کروگانهای که در دست قدرتمند ایران هستند، آزاد کند تا بتواند پست ریاست جمهوری را اشغال کند؟ اینها از جمله اشتباهات بزرگ این جنایتان خیانتکار است که بزودی آنرا خواهند فهمید.

بهوش باشید که منشا و مشما مستضعفین جهان در این پیام امام نهفته است، «ما تا آخر عمر، علیه دولت آمریکا مبارزه میکنیم و تا آنرا بجایش نشانیم و دست آنرا از منطقه کوتاه نکنیم و به تمام مبارزان راه آزادی کمک کنیم، تا آنها را شکست دهند و خود مردم ایران سرنوششان را به دست گیرند، انزای نمی نشینیم. والسلام - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

وحدت جنبش زنان و جنبش جوانان و دانش جوانان برای خواستهای اجتماعی و سیاسی شان انجام می گیرد و بهیچوجه حزب ما باید در همه جا و در همه سطوح هم مردم را رو آورد و از خواستهای بحق آنان پشتیبانی کند. مثلا در شرایط کنونی، باید همگام با سایر نیروهای مبارز، در جهت تشکل مردم برای مقابله با زورگویی و غارتگری سرمایه داران و دلالان بزرگ، برای مبارزه با گرانی مایحتاج عمومی، برای مبارزه با احتکار کالای مورد نیاز فعالیت کنیم.

بنظر ما دشواریهای بسیار زیادی که در برابر انقلاب قرار گرفته، تنها با کمک جبهه متحد خلق قابل رفع است. جبهه های که سرفظری از محدودیت های ایدئولوژیک و سازمانی و فرهنگ گرائی و انحصار جوی، همه نیروهای راستین و وفادار به انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی، یعنی ضد غارتگری سرمایه داران وابسته و مالکان بزرگ را در بر میگیرد. تنها یک جنبه ای که نمیتواند بهیچوجه متغیر شود و به بهترین وجه نیروهای خلق را برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب تجهیز کند. بنابراین در چارچوب جنبش جبهه ای میتوان بهترین و کارآمدترین راه حلها را برای ابرای چیر شدن در دشواریهای انقلاب پیدا کرد. راه حلهایی که از طرف همه خلقی نه باشد، بلکه با جان و دل و با گذشت و فداکاری مورد پذیرش و پشتیبانی قرار گیرد. حزب ما، حزب واقع بینی است و میدانند که با جلوگیری از گفتمان شورین نشود، با تکرار هر از باره شمار جبهه متحد خلق جبهه متحد خلق بوجود نیاید. لزوم تشکل جبهه متحد خلق در جریان نبرد برای آماجهای انقلاب از طرف توده ها احساس خواهد شد. همزمان با این روند، کار وسیع ترویجی و تبلیغی و روشنگری حزب مادر تمام سطوح از همان مردم گرفته تا در گفت و شنودهای سازنده با مسئولین نهادهای مرکزی جمهوری اسلامی میتواند نقش بسیار مؤثری در هموار کردن راه رستگاری که در برابر انقلاب ما قرار داده، ایفا کند.

همیشه شد

واژه نامه

سیاسی - اجتماعی

امیر نیک آیین

تمام بدبختیهای ما و همه مصیبت هایی که ملت های تحت ستم به آن

فعالیت‌های ضد انقلاب و کار شکنی‌های بورژوازی لیبرال،

فلاش عبت برای نجات امپریالیسم خارجی وسر مایه‌داری داخلی

قدرت سیاسی در پی مبارزات توده‌ای جانباخته مردم و در پی دو روز قیام مسلحانه از کف رژیم وابسته به امپریالیسم پدر آمد، اما مبارزه برای کسب استقلال، برای بیرون راندن کامل امپریالیسم تنها وارد مرحله تازه‌ای شده بود. امپریالیسم آمریکا، که در طی دهها سال ایران را به نظام مورد نظر خود سازمان داده و هزاران ریشه عفن در کشور ما یاقی نهاده بود، به تلاشی دیوانه‌وار برای حفظ موقعیت خود و بازگرداندن اوضاع به نسق پیشین دست زد.

امپریالیسم چون هیولای خون-آخامی که چنگال خود را در امعاء واحشاء موجود زنده‌ای فرو برده باشد، بر حیات جامعه ما، استیلائی جابرانه خود را تحمیل کرده بود. برای طرد این تسلط نابرابر، خیانت‌بار و غارتگرانه، می‌بایست چنگال‌های هیولا را قاطعانه قطع کرد. در غیر اینصورت او امکان می‌یافت - و می‌یابد - تا نیات خود را تحمیل کند و انقلاب را به شکست بکشاند.

نیروهای سیاسی جامعه نیز بر طبق اینکه باین سوال مین، چه پاسخی داده باشند، از ابتدای انقلاب به دو گروه کاملاً مشخص تقسیم شدند. یک گروه خواستار جراحی ریشه‌ای و سریع اندام‌های فاسد و قطع فوری پیوندهای وابستگی و گروه دوم خواستار مرمات‌ها با «هیولا» و بر خود ماییم و «گام به گام» بودند که لاه‌حاله به «همگامی» می‌کشید. طبیعی بود که این دو مشی‌مدت زیادی نمی‌توانند در کنار یکدیگر دوام بیاورند. ولی اینهم طبیعی بود که بلافاصله پس از انقلاب، قدرت سیاسی، این تضاد آشتی‌ناپذیر، این تفکر و مشی طبقات دارای منافع متضاد را در خود داشته باشد، زیرا مرحله نخست انقلاب، که رژیم استبدادی شاه را هدف قرار داده بود، نیروهای لیبرال یعنی مخالفین دیکتاتوری فردی ولی موافقین رژیم سرمایه‌داری را نیز به‌همراه خود کشانده بود و هنوز ماهیت این جدال محضوم که تعمیق انقلاب می‌بایست سرنوشت آنرا مین سازد، بر توده‌های مردم آشکار نبود و اصولاً در آن مرحله نخست نمیتوانست باحدت و شدت مطرح باشد.

مبارزه‌ای حادتر و عمیق‌تر در پیش بود که آتش آن از همان ابتدا بدلیل تقسیم قدرت سیاسی مابین طبقات دارای منافع متضاد، هم در بالا و هم در پایین شعله‌ور گردید. پلوم ۱۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران، که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب تشکیل گردید، این واقعیت را بدرستی توضیح داد. در گزارش هیئت اجرایی (هیئت سیاسی) کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم شانزدهم، آمده است:

«مسلماً است که بورژوازی لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، می‌کوشد جنبش را در چارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه‌های خلقی و مردمی آنرا تضعیف نماید. تجربه همه انقلابها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواستهای طبقات و قشرهای محروم جامعه، بورژوازی لیبرال حاضر شده است از انقلاب رو برگرداند و با اقیمانده‌های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آنرا برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکش بکار اندازد. این انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی مین ما هم، چنین پدیده‌ها شدند. حتی پیش از پیروزی انقلاب بروصداهایی حاکی از عدم رضایت بی‌بخش از محتوی مترقی نظریات یت‌اللذ خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی، بگوش میرسید و بن عدم رضایت روز بروز شدت پیدا می‌کند.»

بورژوازی لیبرال، همانگونه که رگزارش هیئت اجرایی به پلنوم دهم مرکزی حزب توده ایران منعکس است، حتی در دوران پیش از انقلاب ز از رشد جنبش انقلابی و عدم اناقیش در مهار کردن آن به وحشت تاده بود. بورژوازی لیبرال در آن مان نداشت با بختیار برای پر کردن ای خالی شاه مخلوع و پیاپی گام‌های ط امپریالیسم بر کشور ما، رقابت بکرد و حتی از بختیار در حفظ

در بهار آزادی جای شهدا خالی

جوش هزار چشمه بیدار
اندر رگ زمین
و پر لب زمین
لیخته شکفته گلزار .
خون امید
در پیکر جوانه آزاد
و رقص گیسوان ابر
در یاد .
در کشتزار مشق
آواز قمریان
و نم نم ترانه باران
در گوش نوگل خندان .
آری ،
زمین جوان شد و ایام
رنگ دگر گرفت
اما ، درین میان

ای عاشقان خلق ، جمع شهیدان
خالیست جای شمایان
در ظلمت شبانه دوران
چونان ستاره بوده‌اید
در زمهریر زستان
چون آتشی ، پراز شراره بوده‌اید
اینک که سر زد از افق ، سپیده گلگون
اینک که سر کشید
از هر طرف شقایقی از خون

اینک ، درین بهار
ای عاشقان خلق ، جمع شهیدان
خالیست جای شمایان

ما ،
اینک بزیر پرچم کاریم
در خانه‌ایم
در کارخانه‌ایم
گاه ، رنج می‌کشیم
گاه ، شاد می‌شویم
گاه ، رای مینهیم
گاه ، مشتمان یکی
فریاد می‌شویم
اما ، امیدمان همیشه همین است :
آزاد می‌شویم .

و ما
درین بهار سرخ
در راهتان
با دشمن زمانه ، هم‌سام
بیکار می‌کنیم
شب خفتگان خاک را
بیدار می‌کنیم .

ا.ع.البوز
۲۴ اسفند ۵۸



درد بورژوازی، افسر حزب توده

روزبه قهرمان، راهت‌ادامه دارد، درود بر کمیته مرکزی حزب ما اینها شمارهایی بود که روز ۲۱ اردیبهشت سال گذشته ، روز شهیدا ، پس از ۲۶ سال از زبان دهها هزار توده‌ای ، در پیش‌تزهرا ، بر گزار شهیدا شکفت و فرش شد .
روزبه ، افسر حزب توده ایران و عضو کمیته مرکزی ، کسی که نام و یاد سترگ مبارزه‌اش از جانبازهای سربازان، درجه داران و افسران ارتش ایران، علیه رژیم متفروپسپوی، تاثیر شگرف داشت و خود بمقنن دلاوری و قهرمانی مردم ایران علیه امپریالیسم سلطه‌گر آمریکا تبدیل شده بود ، برای نخستین بار پس از شهادتش ، در زبانها شکفت و یادش و حلت آفرین صفوف دهها هزار نفر گردید .



«دشمنان انقلاب ایران»... قیل از آنکه امام خمینی به ایران برگردند... انقلاب ما را به رسمیت و حقانیت شناختند.»
و این اظهار نظر در واقع درست همان نقطه‌ای را که بورژوازی لیبرال انقلاب را پایان یافته شمرد (یعنی زمان روی کار آمدن بختیار توسط امپریالیسم آمریکا) بیان میدارد. بهمین دلیل هم درست از همین زمان بورژوازی لیبرال از خواستهای جنبش انقلابی مردم، «کلافه» شد و از انقلاب کردن پشیمان گردید.

مهندس بازرگان در نطق‌های مشهور خود، بویژه نطق اسفندماه ۵۷، خط بورژوازی لیبرال را، که در تمام طول دوران پس از بهمن ماه، تمامی طرفداران نظریات محافظه کارانه و سازشکارانه را، علیرغم تفاوت‌های شخصی و خصایص فردی، دربر گرفت، با وضوحی شگرف توضیح داد.
او گفت که خواستار «همان نظام مشروطه منهای سلطنت» است، وی اعلام کرد که دولت او «حقی ندارد از

تمام مصادر صنعت و تجارت مملکت احساس خطر می‌کنند، نمی‌دانند کجا باید پناه ببرند، نمی‌دانند کجا بروند تقلم کنند و سرگردان مانده‌اند.»
وی سپس راه پیشنهادی خود را برای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توضیح میدهد و خواستار عفو عمومی میشود:

قوانینی که تصویب نشده استفاده‌کنند» گفت، عفو و مهربانی بر کلامش و لذا دولت او «در همان نظام سابق» و «قوانین موجود»، عمل می‌کند.
مهندس بازرگان، در اواسط فروردین، تصفیه ارگانهای کشوری و لشکری را از عوامل رژیم سابق، «انتقام جوئی» نامید و در خرداد ماه گفت: «انتقام بس است، بعد کافی انتقام گرفتیم». حسن نزه نمانده دیگر بورژوازی لیبرال، دادگاههای انقلاب را مورد حمله قرار داد و تلویحا

حاجی فیروز- پیک شادی یا؟

این روزها در جوار دختران و پسران جوان بوستر بدست و پر از شور و هیجان انتخابات تبلیغاتی ، که چهره کشور را بکلی دیگرگون کرده اند ، قیافه ها و آواهای جالب دیگری نیز جلب توجه میکند ، که گرچه در اصل قدیمی و سنتی اند ، اما امسال به میمنت رویداد انقلاب ، درخور توجه ویژه ای شده اند .

اینها همان «حاجی فیروزهای سالی یروز» هستند ، که بظاهر پیک شادی و بهار و در اصل بیاتر فقر عیان و بیکاری مداوم جوانهای ما هستند .

امسال که توده های عظیم خلق ، به برکت انقلاب پیروزمند ما ، در تعیین سرنوشت خویش شرکت فعال جسته اند ، باز هم با کمال تأسف مساله بیکاری و فقر ، پس از یکسال که از انقلاب میگذرد ، همچون سالهای پیش مساله بفرنج و اساسی باقی مانده است .

اگر سالهای رژیم طاغوتی از کنار «حاجی فیروز» گذشته ایم ، امسال ، سالی دیگر است و گذشتن از کنار این پدیده ، بالبخندی و بذل سکه ای ناچیز ، نه تنها درست نیست ، بلکه در نظر گرفتن مسئولیتی اجتماعی در مورد یک معضل مهم اجتماعی است . درست به قیافه های رنگزده و هیکل های فرمز پوش و سرو لباس فانتزی اینها نگاه کنید ، اکثرا

جوان و یا کودکان بسن تحصیل هستند ، که ناقص و غلیل هم نیستند و حتی گاهی بسورزیده ، سالم و کارآمدند . پس از چهره به چهره ممر درآمدی استثنائی روی آورده اند و چه عاملی سبب کشاندن آنها بخیایانها و گلرگامها با چنین شکل و شمایل شده است ؟ آیا باید باز هم بصرف اینک وجود «حاجی فیروز» نشانه آمدن عید و بهار است و باید چنین باشد که آنها بیایند و برقصند و بروند ، میتوان از کنار این مساله گذشت ؟ آیا میتوان باین بهانه که این ، رسمی «سنتی» است ، فشار فقر شدید و بیکاری رنج آور را ، که برگرده این فرمزپوشان روی سیه کرده ی خندان ، نشسته است ، نادیده گرفت ؟

کافی است مجسم کنید که هریک از این حاجی فیروزهای بزن و بکوب ، دل تکه زمینی ، هر چند بی بار را ، باندستهای جوان خود میکانند ، شخم میزنند ، میکارند و آنگاه در پی درو ، ثروت و نعمت را بسوی شهرها و ولایات سرریز میکنند ، و یا در نظر آورید که همه اینها در کارخانه های مختلف ، از یک تکه آهن ، یک تکه سنگ ، هر چند پولادین ، هر چه سخت ، شکلیا و حجمهای گونه گون میپردازند که هریک ابزاری در دست ما برای انجام کاری خواهند بود ، آنوقت است که بی اختیار متأثر میشوید و بآیدین آنها بجای خندیدن ،

بفکر فرو میروید ، بفکر فرو میروید که چطور میتوان دل های بظاهر شاد آنها را ، قبل از آنکه تخم کین در آنها افشاندن شود ، واقعا شاد کرد . اینها افرادی هستند که مایل به کسب روزی حلال اند و در پی نان شرافتمندانه ، بکارهای آبرومند متمایل ، و حالا بناچار «حاجی فیروز» شده اند تا من و شما را دلشاد کنند . اما بعد چه ؟ آیا باید منتظر ماند که آنها هم روزی ، دست تکدی بسوی ما دراز کنند ؟

پس باید از دولت انقلابی مصرا خواست که هر چه زودتر در پی حل معضل بیکاری وریشه کن کردن بنیادی فقر ، به اقدامات اساسی و جدی دست بزند و قبل از آنکه کفگیر به ته دیگ صبر انقلابی توده ها بگذرد ، آنها را دریابد . از مسئولان امر بخواهیم که در صدد حل جدی مشکلات واقعی توده های صبور و رنجبر ما باشند .

آیا باید باز هم هشدار مکرر در مکرر داد که ضد انقلاب ، از این راه پراحتی تقبی به دل انقلاب بزند و آنرا از داخل بساید و بفرساید ؟ بنابراین بردولت انقلابی است که در آستانه دومین بهار آزادی ، به پاس خون شهدای انقلاب توده ها ، رعایت حقوق مسلم هر فرد را ، که از اصول مهم آن یکی هم «کارگردن» است ، بکند و شادی واقعی را در دل های ناشاد بیکاران و «حاجی فیروز» خنده ها ، روان سازد .

فعالیت ضد انقلاب

بقیه از صفحه ۴

«صاحبان صنعت و تجارت را دعوت بکار کنید ، این بزرگترین عامل برای رفع بیکاری خواهد بود»! بورژوازی لیبرال «اصلاحات ارضی» شاه مخلوع را کمال مطلوب میدانند . ایزدی وزیر کشاورزی دولت موقت ، که خود یک زمیندار بزرگ است ، اعتقاد داشت:

«اصولا ما قبلا هم فتووال نداشتیم ، چرا که پس از اصلاحات ارضی ، هیچکس مالک بیشتر از یک ده نبود» . (اطلاعات ، ۱۸ مهر ماه) و «بعد از اجرا شدن مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی ملاحظه میشود که دیگر کسی در این مملکت حتی یک ده شش دانگ هم ندارد و همه اش قسمت شده است»! (انقلاب اسلامی ، ۱۹ مهر) .

نمایندگان بورژوازی لیبرال که اکثریت آنها در دوران انقلاب به «اسلام» گرویدند ، همچنین اعتقاد راسخ دارند که: «در اسلام مالکیت حدود ندارد» (ایزدی - انقلاب اسلامی ، شماره ۹۱)

بورژوازی لیبرال که برای فریفتن مردم ومقابله با مشی ضد امپریالیستی و خلقی رهبر انقلاب ، خود را در زیر لوای «آزادیخواهی» پنهان ساخته است ، در واقع از «آزادی» ، جز آزادی احزاب بورژوازی ، آزادی بیخاکاران و آزادی جنایتکاران را نمی فهمد .

مهندس بازرگان و ایضاً سخنگوی دولت موقت ایشان در زمان حیات این دولت گفتند و تکرار کردند که قانون استبدادی منع فعالیت حزب توده ایران ، کماکان بقوت خود باقیست .

سخنگوی دولت موقت ، عباس امیر انتظام ، یکبار زمانیکه از ضرورت رعایت قوانین رژیم شاهنشاهی تا زمانیکه لغو نشده اند سخن میگفت ، در پاسخ این سؤال که:

«پس چطور حزب توده فعالیت می کند و ارگانهای حزب منتشر میشود؟» گفته بود:

«شاید این امر زیادی آزادی را که حکومت داده است ، نشان میدهد»! (کیهان ، ۲۹ فروردین ۵۸) بورژوازی لیبرال همانگونه که گفتیم ، پس از انقلاب ، با چنین مواضعی بخشی از قدرت سیاسی را در اختیار گرفت و هنوز هم بیزان وسیعی در اختیار دارد .

در مقابل خط بورژوازی لیبرال ، که خواستار همکاری با امپریالیسم آمریکا و حفظ نظام سرمایه داری است ، نظامی که در دوران ما بدون تردید کار را به وابستگی به انحصارات امپریالیستی میکشاند ، خط ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی توده های انقلابی مردم قرار دارد . این خط که بواسطه مشی قاطع ضد امپریالیستی و خلقی رهبر انقلاب ایران ، خط امام لقب یافته است ، خواستار دگرگونی بنیادی نظام اجتماعی - اقتصادی

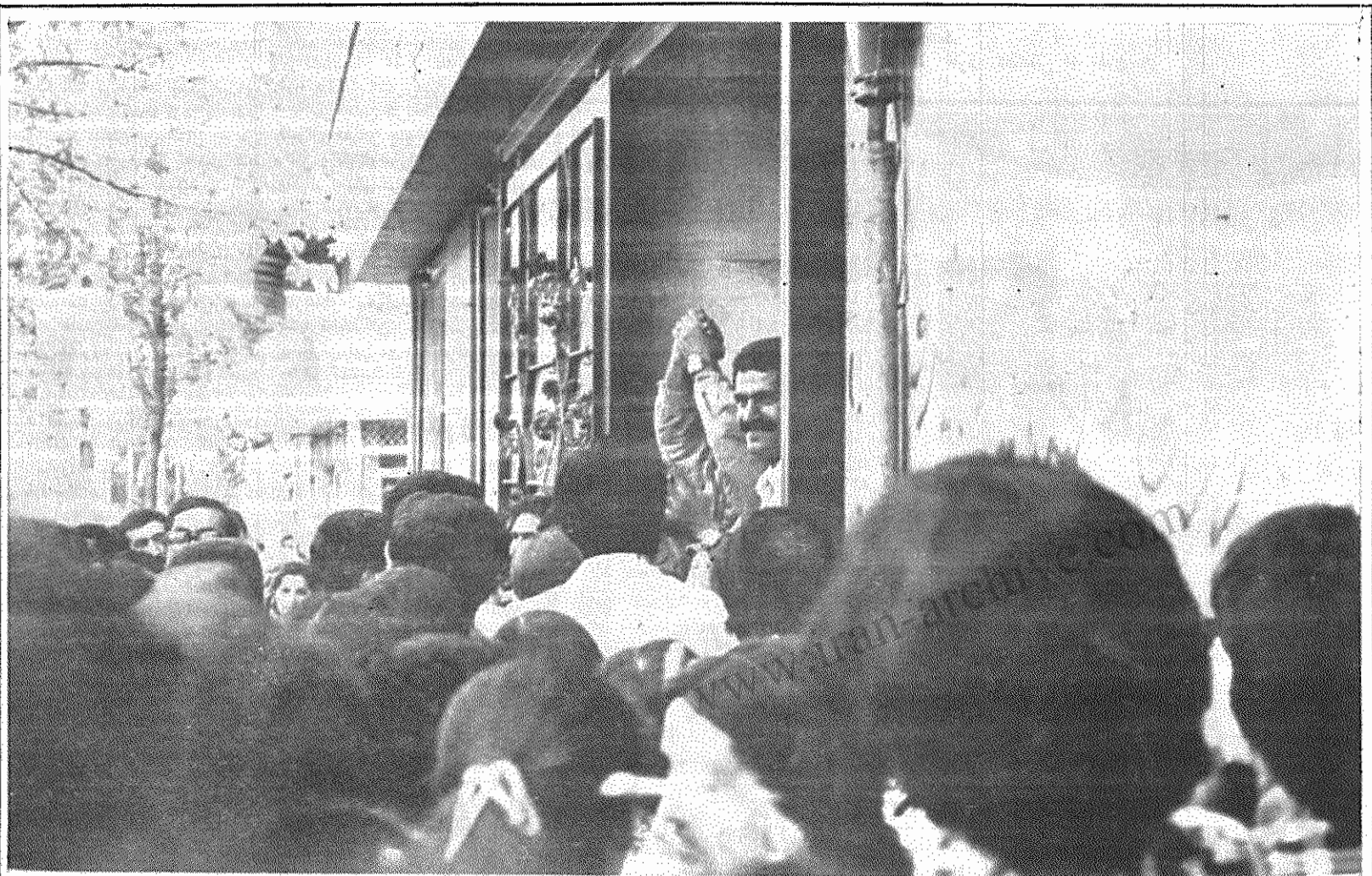
پیشین ، قطع کلیه وابستگی های اسارتبار به امپریالیسم ، لغو قرار - دادهای نابرابر با امپریالیسم و تحول بنیادی جامعه بسود زحمتکشان است .

محتوای ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی این خط در برنامه جبهه متحد خلق ، که در پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران تصویب گشت ، بطور کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است .

بازگشائی مجدد دفتر «مردم»

دفتر «نامه مردم» که طی یک هجوم سازمان یافته از راست به نیروهای مترقی و انقلابی ، بدون هیچگونه دلیلی مبر و موم شده بود ، پس از ۶۰ روز در ۲۸ امین سالگرد تأسیس حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، گشوده شد .

پیمان «مردم» ۲۸ ساله با مردم ناگسستنی است . گل سرخ ، پیمان اتحاد ، لبخند و مردم در بازگشائی دفتر «مردم» ، ارگان مرکزی حزب توده ایران :
گر پیش تودیواری از آهن بنشانند ، دانند چندان نتوانند بیدانند



مبارزه با انقلاب ایران و حفظ مواضع سیاسی و منافع اقتصادی نشان میدهد . امپریالیسم آمریکا میکوشد از طریق عمل مستقیم خود ، یعنی هزارها ساواکی و ضد اطلاعاتی ، که از چنگ مجازات گریخته اند و نیز توسط جاسوسان «سیا» ، ارگانهای مهم کشوری ، لشکری و نیز نهادهای انقلاب را زیر نفوذ خویش قرار دهد و علیه «محرکین» (یعنی کسانی که خواستار درهم کوبیدن بقایای رژیم سرتگون شده و تغییر بنیادی نظام اقتصادی ، اجتماعی - جامعه اند) به مبارزه بپردازد ، در انتظار مردم ، «آنها را بی اعتبار و منفرد» سازد . او بخوبی به نقش و اهمیت طبقات و نیروهای مدافع خط مشی امپریالیسم یعنی «سیاستمداران میانه رو» یا لیبرالها واقف است ، «احتیاج» آنها را بخود درک میکند و به آنها چون پلی که او را قادر میسازد با گذشتن از آن گلوی انقلاب را بشمارد ، می نگرد .

امپریالیسم آمریکا نیک میدانند که انقلاب برای لیبرالها پایان یافته است و میدانند که «آنها کارهایی می کنند که مردم را آرام سازند» . او همچنین میدانند که لیبرالها نمی دانند که در پس کوشش نامیهون آنها ، امپریالیسم «کنترل سفت و سخت» برقرار خواهد کرد و همه چیز را نابود خواهد ساخت . تجربه انقلاب ما بخوبی نشان میدهد که بورژوازی لیبرال بقیه در صفحه ۴

کرده است .
شانمن از قول توکل می گفته بود :
«هاشب و روز کار می کنیم تا کنترل برقرار کنیم ... من از هر وسیله ای استفاده میکنم: تلویزیون ، رادیو ، مسجد ، روزنامه ها و قوای مسلح ... ما به همه محرکین تیر اندازی خواهیم کرد . فقط بگذارید آنها را منفرد کنیم ... ما از همه شیوم های روانشناسی در رایسو و تلویزیون استفاده می - کنیم تا به مردم این احساس را بدهیم که اکنون انقلاب به قدرت رسیده و محرکین دارند آنها را تهدید میکنند ... ما محرکین را تعیین هویت می - کنیم و بعد چنانکه میدانیم ترتیبش را میدهیم که آنها را بی اعتبار سازیم ... آنگاه ما می توانیم به اوضاع جویگو باشیم ... محرکین ممکن است مردم را اغفال کرده و حمایت آنها را جلب کنند ... سیاستمداران میانه رو در امر کنترلر بسما محتاجند ... آنها کارهایی می - کنند که مردم را آرام سازند و احساسها را راضع کنند ولی آنگاه کنترلر سفت و سختی تأمین و محرکین خاموش و مضمحل خواهند شد» .

امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی انقلاب ایران

هنوز چندی از پیروزی نخستین مرحله انقلاب نگذشته بود که توسط فردی بنام رالف شانمن ، عضو هیئت اجرائیه «کمیته آمریکائی برای آزادی در ایران» ، فاش شد که سرهنگ توکلی ، رئیس ستاد عملیاتی ارتش در ملاقاتهایی که قبل و بعد از انقلاب باشانمن داشته است ، پیامهایی توسط او برای دوستان آمریکائیش فرستاده است . سرهنگ توکلی بلافاصله پس از افشای این ملاقاتها مجبور به استعفا گردید و شانمن اندکی بعد ، از ایران اخراج شد و راز چگونگی واقعه بکلی مسکوت ماند . ولی سخنانی که شانمن به توکلی نسبت داده است ، آنچنان مهم است و استراتژی امیر - یالیسم آمریکا را با وضوحی شگرف بیان میکند که این سخنان هنوز هم پس از قریب بیست سال تا حدود زیادی تازگی و آموزندگی خود را حفظ

«در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکا است» .
خط امام خواستار اتحاد کلیه نیروهای ضد امپریالیست علیه دشمن شماره ۱ مردم ایران است :
«هر اختلافی بنفع آمریکا و دیگر اجانب است» .
«سلسله های سرد و گرم ... را از نشانه گیری بر روی یکدیگر منحرف و بسوی دشمن انسانیت که در راس آنها آمریکا است ، نشانه روید» .

«قشرهای ملت با هر مسلکی که دارند ، با هر فکر سیاسی و یا مذهبی که دارند ، لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه جنایات بیشتر دولت آمریکا موضعی خصمانه گرفته و بفکر اشکال تراشی و تفرقه اندازی که بسود دشمنان کشور ما است ، نباشند» ...
خط امام از منافع مردم زحمتکش مدافعه و علیه نظام مستکبرین مبارزه میکند :

«مملکت مال زاغه نشینان اطراف تهران است ... ما را اینها اداره کردند و می - کنند ... بازاری ، کشاورز ، کارگر ... آن طبقه بالا با ما کاری نداشتند و حالا هم کار - شکنی میکنند و همه چیز میخوانند» .

خط امام ، که قدرت سیاسی ، رهبری انقلاب ، امام خمینی و بخشی از شورای انقلاب اسلامی ایران و بخشی از نهادهای انقلابی را در برمی گیرد ، از ابتدای انقلاب ، در مبارزهای شدید و پیگیر با مشی سازشکارانه بورژوازی لیبرال درگیر بوده است و آتش این نبرد ، هر قدر که قشر بندی در میان طبقات جامعه سرعت می یابد و هر قدر جنبه ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب تعمیق میگردد ، فروزاتر و شعله ورتر میشود .

امام خمینی ، رهبر انقلاب ایران ، در طی نطقها ، سخنرانیها و مصاحبه های خویش ، ویژگی های اساسی این مشی را به زبانی ساده و گویا ، که بر قلب و مغز توده های رنج دیده مردم ما اثری شگرف می نهد ، بیان کرده است .

خط امام دشمن آشتی ناپذیر امپریالیسم آمریکا است و آنرا بزرگترین و اصلی ترین دشمن انقلاب ایران می - داند .
«تمام گرفتاری های ما از آمریکا است»
«همه ملت ما دشمن شماره اول خودش را امروز آمریکا میدانند» .
«تمام این بحرانی را آمریکا ایجاد میکنند» .
«باید تمام تجهیزات ما بطرف این دشمن باشد» .

سالگشت ملی شدن صنعت نفت



آن... سرودها

بوی خوش میوزده، بهار رسید،
 برویدوبه باغ مژده دهید،
 آن کیودوسیاژستان رفت
 هفت رنگی بهار شاد رسید،
 پرده یکسوزنید، ها نخورشید
 چلچله است این، درپچه بکشاید،
 کاج، برف از فراز کاکل ریخت
 بچه گنجشک زآشیانه پرید،
 بوسه شادها شکوفه شکفت
 از دل پرکها ستاره دمید،
 بیخدریاچه های خفته شکست
 دل آرام آبها بطبید،
 آنچه نوشیده بود توه بلند
 پتله اینک ز چشمها جوشید،
 هرچه از رنگ سبز میدانید
 گونه گونش یخاک می بینید،
 دامز دشت خرق بوته گل
 پتله شاخسار پر زنوید،
 سبزی شد فصول اشک و غم
 آمد اینک دوباره موسم عید
 در لپهای بسته بکشوند
 بایگی سحرگون کلید امید،
 خلق در شور و سرور سرود
 در تکاپوی گرم گفت و شنید،
 درستیزند دوستان نجیب
 در گریزند دشمنان پلید
 چون بهر باغ میروم خالیت
 جای آن سرودها که میدانید
 می کشم نمره ای به بانگ بلند
 زیر این ظلم سیاه و سید
 کای شمایان که دست درآغوش
 گرمدم گرم محفلی دارید
 به شگون رسیدگان بهار
 از شیدان رفته یاد کنید.

اسفند ۱۳۵۸

سیاوش کسرای

میعادگاه رزم ضد امپریالیستی اینجا خیابان طالقانی و لانه جاسوسی تسخیر شده امپریالیسم آمریکاست.

اینجا گوشه ای از میلیونها مردم زحمتکش هستند که از دورترین زوایای کشور به تهران و در قلب تهران، به مقابل لانه توطئه ها و جنایات عمال مستقیم امپریالیسم آمریکا، شتافتند و با دانشجویان دلاوری که دولت را سر از گردن نهاده عهد و پیمان بستند. اینجا میعادگاه رزم ضد امپریالیستی مردم ایران است.

خانی بود، پس از رفتن رضاخان همچنان در قدرت باقی ماند و به غارت ذخایر نفت ایران و دخالت در امور داخلی کشور مانده داد. با این وجود پس از شهریور ۱۳۲۰، با آغاز ادامه مبارزات ضد فاشیستی، دیکر اتیک و ملی طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷، ملت ایران یار دیگر تمایل خود را به رهائی از سلطه امپریالیسم و استعمار وسیع آشکار ساخت. طی همین سالها بود که زمینه مساعد برای آغاز مبارزات وسیع منظور طرد عمده ترین اهرم غارت نفت ایران فراهم آوردند. این زمینه مساعد با کودتای سوم تیر ۱۳۲۹ پایه گذاری شد، طی آن رضاخان قراق بدست انگلیسها به قدرت رسید و سلطه پنجاه ساله خاندان دست نشانده پهلوی را به قصد ادامه اسارت استعماری امپریالیستی ایران خود را قبل از همه ادامه غارت ثروت نفت بودجه سرمایه های انحصاری غارتگر فراهم آورد.

چنین ملی شدن نفت پس از چندین زینه های استوار گردید و طبیعی است که مبارزات همه نیروهای ملی و مترقی حامل اساسی تکوین و تدارک این مبارزه تاریخی و حیاتی بود. شخصیت تاریخی مصدق در جریان مبارزه بیروزمندانگی چنین ملی شدن نفت تنها بر زمینه کار عظیمی میتوانست درخشش پیدا کند، که همه نیروهای ملی و مترقی، منجمله و بویژه حزب توده ایران، طی ده سال از آغاز امپریالیسم انگلیس و نقش شرکت غارتگر نفت انگلیس انجام داده بودند. چنین نیز شد. دکتر محمد مصدق با الهام از خواست مردم ایران و پشتیبانی همه نیرو-توطئه های آن بهر ازاد، تفرقه و جدائی میانه داشت.

جنبش ملی شدن نفت از همین موضع و توحی که سران جنبه ملی آن زمان و متاسفانه حتی شخصی دکتر مصدق نسبت به مبارزه فنیات حسنه آمریکا در مورد ایران داشتند، آسیب پذیر گردید. امپریالیسم و ارتجاع داخلی در اتحاد پایکدیگر، پس از آنکه چنین ملی شدن نفت دو سال و نیم تمام ادامه یافت و به پیروزی های چشمگیری در زمینه های حیاه استقلال سیاسی و اقتصادی ایران نائل آمد، توانستند با کودتای ۲۸ مرداد جریخ قاری را در کشور به عقب برگردانند. کودتا به

داره شد. پس تا اوایل قرن بیستم، ملی سه دهه تلاشهای بسیاری برای تسلط بر نفت ایران از جانب همه دول استعماری و امپریالیستی آلمان صورت گرفت. در این میان یار دیگر امپریالیستهای انگلیسی بودند، که پس از آنکه مسلم شد ایران دارای ذخایر غنی نفت است، با استفاده از تسلط خود بر دربار خود فروخته قاجار به کسب اولین امتیاز مستقل نفت، امتیاز معروف داری، در ایران نائل آمدند.

با امتیاز داری غارت ایران در ساختی شامل سه چهارم وسعت کشور برای مدت ۶۰ سال در اختیار سرمایه های انحصاری غارتگر انگلیس قرار گرفت. با این امتیاز نه تنها آزادی دول امپریالیستی در بیرو کشیدن ذخایر نفت ایران از زیر زمین وغارت علی آن تحقق یافت، بلکه ایران از تمام جهات بزر سلطه سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی استعمار و امپریالیسم درآمد.

انقلاب مشروطه ایران اولین واکنش در برابر امتیازی بود که وجود و ادامه حیات آن برای نسلهای بعدی ایران بتمام معنی کلمه فلاکت و بدبختی پیرام می آورد. لیکن این انقلاب با تمام مجاهدتی که آزادخواهان بعمل آوردند و با اینکه مدت ه

سال بطول انجامید و به پیروزی های مهمی نظیر طرد محمد علی شاه از سلطنت و کسب قانون اساسی و متمم آن نائل آمد، معذالک به شکست گرایید. کار-شکنی های دول امپریالیستی و فقدان حمایت بین المللی در شرایط تسلط مطلق امپریالیسم بر جهان از یکطرف، خوروف و خنکی دربار خودکامه قاجار و توطئه ارتجاع خودال ملاکی و ضعف و سازش بورژوازی تجاری ایران از جانب دیگر، عوامل شکست انقلاب مشروطه ایران بشمار میروند. با شکست آن انقلاب، امپریالیسم انگلیس و اهرم عمده غارت آن در ایران- شرکت نفت انگلیس- توانستند به تحکیم مواضع خود در اقتصاد و سیاست ایران و به غارت ثروت نفت ایران در مقیاس وسیع نائل آیند.

اما مردم ایران از بیکار بظلم طرد تسلط امپریالیسم و پایان دادن به غارت ثروت نفت کشور خود دست نکشیدند. در فاصله سالهای قبل از جنگ اول جهانی تا سال ۱۹۳۳، طی دو دهه مجاهدتهای انقلابی عظیمی برای طرد تسلط استعمار و امپریالیسم، منجمله لغو قرارداد داری در ایران صورت گرفت. بویژه پس از پیروزی انقلاب کمپری سوسیالیستی انگلیس، که به

۴۹ اسفند، ۴۹ سال تمام از تصویب قانون ملی شدن نفت میگذرد. سیاهین سالگشت تصویب این قانون تاریخی وادر شرایط پیروزی انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران آغاز میکنیم. این انقلاب در پهن سال گذشته با سر-تگونی رژیم مرگبار دست نشانده سلطنتی آغاز شد، در دوران یکساله اخیر به پیروزیهای مهمی در طرد امپریالیسم از مواضع خود در کشور ما نائل آمد و اکنون در جهت تکامل این مبارزه و برآوردن هدفهای خلقی در حرکت است.

مالگرد قانون ملی شدن نفت برای مردم ایران حادثه های تاریخی و با اهمیت فراوان است. این حادثه نه فقط فراموش شدنی نیست، بلکه با گذشت زمان اهمیت آن بیش و بیشتر روشن میگردد.

تسلط امپریالیسم بر نفت ایران و غارت و احتیانه، طلای سیاه ایران از یکطرف و مبارزه مردم ایران علیه این تسلط و بخل حفظ و استفاده از ثروت نفت از جانب دیگر، تاریخی طولانی دارد.

مسئله نفت و مبارزه برحول محور آن در کشور ما، قبل از انقلاب مشروطه و حتی جنبش تنباکو آغاز گردید و تا امروز قریب یکصد سال از تاریخ کشور ما، تاریخ سیاه تسلط استعمار امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده آن بر ایران و تاریخ مبارزات قهرمانانه بی در پی و بیامان مردم ایران علیه این تسلط را در بر میگیرد. طی این مدت طولانی مسئله نفت و مبارزات مربوط به آن در همه شئون زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشور ما تأثیر و انعکاس داشته است. از اینرو به یک سخن میتوان گفت که تاریخ یکصد ساله اخیر ایران در واقع تاریخ نفت ایران است که در آن، هم سالهای متوالی و طولانی غارت، استعمار، ظلم و اختناق دیده میشود هم دورانهای کوتاه پیروزی ملت بر نیروهای اهریمی غارتگر امپریالیستی و ارتجاع دست نشانده داخلی آن. مبارزات ملی-شده نفت طی سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ دوران اخیر را در بر می-گیرد.

استعمار و امپریالیسم تلاش خود را برای تسلط بر نفت ایران از دهه های آخر قرن نوزدهم آغاز کردند. ابتدا در قرارداد تحمیلی رویت در ۱۸۷۲، امتیاز غارت

زمینه ها صورت گرفت، مقیاسی دهها و صدها برابر عظمت و بیشتر داشت. مثلا شرکت غاسب انگلیسی نفت در دوران تسلط پنجاه ساله خود سیصد میلیون تن ذخایر نفت ایران را بظارت برد. کسرسیوم در ربع قرن پس از کودتا ۴ میلیارد تن ذخایر نفت ایران را به تصرف خاصانه خود درآورد، که قسمت عمده آن نصیب انحصارات آمریکایی گردید. در دوران تسلط شرکت غاسب سابق نفت ایران از تسلط سیاسی، اقتصادی و مالی امپریالیسم لطامت زیاری دیده، ولی آثار زیان بخش تسلط نواستعماری کسرسیوم، تسلط نظامی، اقتصادی، مالی، فرهنگی و سیاسی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا در ربع قرن اخیر در تمام شئون زندگی کشور ما چنان همه جانبه و عمیق بود که ایران حتی از نظر تأمین غذای روزانه وابسته به امپریالیسم گردید.

جراحی که تسلط امپریالیسم آمریکا و انحصارات غارتگر نفتی در ۲۵ سال اخیر در زمینه استقرار سیاه ترین رژیم حساسی دست نشانده دیکتاتوری پلیسی پیکور ما وارد آورده اند، نمونه و نظیر تاریخی کثرتی دارد. در همه دورانهای چنین رژیم سیاه پلیسی-دیکتاتوری دست نشانده های نظیر رژیم سلطنتی محمد رضا شامبه کشور ما و جامعه ایران تحمیل نشده بود. در همه دوران مردم ایران، بویژه نیروهای مترقی و مبارزان، این رژیم را در هر جنبه و مرحله مبارزه ملی و اجتماعی تسخیر کردند. در این دوران ما در هر جنبه و مرحله مبارزه ملی و اجتماعی تسخیر کردند. در این دوران ما در هر جنبه و مرحله مبارزه ملی و اجتماعی تسخیر کردند.

گذشت



مرگ بر امپریالیسم آمریکا!

رکوب پرچم آمریکا را سوزاندند، درویشانم آنرا در آتش دم انقلابی بارها خاکستر کردند، در آن گولا این مظهر بی و چپاول را در هر خروش خود شعله ور کردند، در...
نصا نیز مقابل لانه جاسوسی آمریکاست، که پرچم بی جنایتکار را به آتش می کشند.
نه از شاه، نوبت امپریالیسم آمریکاست. این خواست ملت و در مقابل خواست ملت، هیچ نیروئی قادر به...

سائل از دیدگاههای گوناگون به مردم امکان مقایسه و داوری در نتیجه سبب رشد فکری و آنها میگردد. بدیهی است که در نیز کاستیها و کسبوها اندک استفاده از شیوههای نادرست کاری، و چنانگرائی، تحریف دور شدن از مسیر واقع روشنگری موش نگریده و بویژه در کار رادیو و نه هنوز تقاضای جدی وجود دارد. به باین امر نیز ضروری است نول نخستین سال انقلاب و ایستگان گذشته و گروههای لیبرال و با سوء استفاده از آزادی های بک و باتوسل به مایه و جنجال نه کردن رخدادهای ناهنجار، اما ، و مشوب ساختن اذهان به روند انقلاب زینهای فراوان دند که مستقیما بسود ضدانقلاب

ت مسئول پس از مدتی مسامحت، با جلوگیری از انتشار نشریاتی پندگانه و «تبران مسوره» و غیره خدمت ضد انقلاب بودند، تا از شدت این ناهنجاریها کاست، اقدام نیز، در نتیجه اعمال نفوذ نصار طلب و عوامل دشمن که گاهها رسوخ کرده اند، بسود بد. توقیف نامه مردم و برخی از که در خدمت انقلاب بودند، از آن است. خوشبختانه پس از این اعمال غیر دموکراتیک پایان و بسیاری از نشریات که بناسخ بنده بودند، آزاد گردیدند. حال از آنجا که اصل آزادی و احزاب تأمین گردیده، حل شکلات جنبه فرعی دارند و مردم در طول زمان، سبب صحیح را خواهند گشت.
روزی انقلاب اسلامی ایران که و شرکت وسیع همه خلقهای

میرن ماز برکت این انقلاب اثبات هویت خویش است
امپریالیسم با برتری قدرت علمی - منحنی خود خلقها را هم مجذوب میکند و هم مرعوب. نتیجه تخریب این مردم حالت ایجاد یک رشته واکنشهای زنجیرهای منفی در بین خلقهای تحت ستم امپریالیسم است.

امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاه میکوشیدند تا خلقهای ما را به خود وبه فرهنگ و سنتهای بومی خود بی اعتماد سازند و اراده مقاومت آنها را در برابر فرهنگ منحل و مهاجم غربی در هم شکنند، آنها را در برابر علم و فن و فرهنگ غرب به زانو در آورند و سرانجام هویت خلقهای میهن ما را از آنان بگیرند، زیرا که تسلط بزرگ خلق هویت کم کرده، خلقی که دیگر نتواند از ریشه های فرهنگی خود تهذیب کند و بر آن تکیه زند آسایش و دریا قار است. نتیجه این روند در میهن ما این بود که عدمای از هم پیمان ما واقعا معتقد شده بودند «ایرانی کجا، فرنگی کجا» و یا هنگام برخورد با کاستیها و نقائص از روی تاسف سر تکان میدادند و میگفتند: «ای آقا! ایرانی درست بشو نیست!» و هنگامیکه مثلا از قهرمانیهای خلق ویتنام در نبرد علیه امپریالیسم آمریکا سخن میرفت، با حسرت میگفتند «ایرانی را با ویتنامی مقایسه نکنی!» و نظائر اینها.

رسیدن باین مرحله خطرناک نشان آنستکه روحیه مقاومت و غرور ملی در برابر امپریالیسم درهم شکسته شده است. مردم میهن ما در نبردی خونین با امپریالیسم و ارتجاع دست نشانده های و بیروزی بر آنها، نشان دادند که بغیر از تلاش آنها، هویت و شخصیت خود را از دست ندادند. بزرگترین دستاورد منوی که مردم ما از این انقلاب بدست آوردند، این بود که دریافته امپریالیسم و ارتجاع، با وجود تمام قدرت و جبروت، شکست پذیرند.

امپریالیسم و رژیم شاه برای انابه تسلط خویش بر مردم میهن میکوشیدند آنها را تابع سیاستهای خود کنند، یا نسبت به سیاست منفی و یا لاقبل بی تفاوت سازند. حتی گفته میشود که سیاست کاری است کثیف، مرد شریف گرد سیاست بیکر کرده.

مردم میهن ما در طی انقلاب، با سرک وسیع همگانی خود در این انقلاب، با دادن ۶۰ هزار شهید و صد هزار مجروح و معلول خط به طلال بر تمام این شکردها کشیدند و نشان دادند که نه تنها تابع سیاستهای رژیم و امپریالیسم نشده اند، بلکه نه از سیاست تفر دارند و نه نسبت به آن بی تفاوت هستند. آنان ثابت کردند که آن سیاستی که هدفش رها ساختن خلقها از بند ارتجاع و استعمار باشد، یعنی سیاست انقلابی و کثیفه نیست. آنچه پلید است سیاست امپریالیسم و ارتجاع است که «هدفش در بند کشیدن خلقها و غارت آنهاست. این دومین دستاورد ارزشمند معنوی خلق ما بود.

ارتجاع و امپریالیسم بموازات همه اینها، بحدت به تبلیغات ضد کمونیستی میپردازند و با گرفتن هرگونه امکان روشنگری و دفاع از بیروان این مکتب، باتوسل به وقیحانه ترین دروغها، تحریفات و جعلیات، کثیف ترین اتهامات را به کمونیستها وارد میسازند (از اشتراکی بودن زن در بین کمونیستها گرفته، تا انکه وجود عواطف انسانی و بی اعتبار بودن ارزشهای اخلاقی و بیگانه پرستی در میان آنان) مردم ایران در این انقلاب دیدند که کمونیستها امیل، پاروقادار، اینترگر و همیشگی آنها هستند. این نیز دستاورد گرانقدری برای مردم میهن ما بود.

یکی دیگر از دستاوردهای ارزشمند و تاریخی انقلاب آن بود که به نیمی از جامعه مایمی زنان متمسکیده ماکه در طول تاریخ همواره دستگ زیرین آسیا بودند امکان داد تارشد اجتماعی و تعهد عمیق خود را در برابر جامعه به درخشانترین گونه باثبات برسانند و نشان دهند آنها که پای منافع خلق و دفاع از آن در برابر ارتجاع و امپریالیسم بیان آید، در برابر و اینار نه تنها از مردان عقب نیستند بلکه در بسیاری از موارد از آنها پیشی میگیرند. آنچه تاسف انگیز است اینست که این زنان دلیر و از خود گذشته علیرغم فداکاریها و مبارزاتشان از حقوقی که شایسته آن هستند برخوردار نشدند و امید است که این انقلاب دادگستر، حقوق اجتماعی زنان را نیز به بهترین وجه تأمین کند.
یکی دیگر از دستاوردهای معنوی انقلاب ایجاد شرایط مساعدی برای ریشه کن ساختن روحیات منحل فرهنگ

عید بی شاهستان مبارک!

آرزومند و رزمخواه آمد خلق ایران به جشن نوروزی بیره مسا نبود جز پیماناد نام خود را نهاده شاهنشاه سوی مردم نگاه بر تحقیر همه از ناکسان و بسدکاران عمه و عسم و خاله و خالو گزمین خوار و گه جواهر خوار کرده خود را عزیز در دانه خویش را خوانده لیک عین نبوغ رسم منحوس چاپلوسی را که چوسگه رانده شد از آن اشرف روسپی شد به نزد سوادش که دل مردمان بیازارده آه از این عصر شوم پر خفت کشتاری بر آورد پر سبار خلق را داس غم درو نکند خلق یابد طریق نوسازی فال فرخنده ایست برایان جلوهای تازه یافت میهنها عید بی شاهستان مبارک باد . ا. ط.

عید دیگر بدون شاه آمد نغمه خواند کنون ز پیروزی دیر گاهسی ز دیسو استبداد مردکی ابله و شرور و نباه می فرستاد از فراز سر زار و رودش چسو گله ماران خون خلقی مکیده چون زالو حرص و آزی برون ز حد و شمار نوکر خود فروش بیگانه مظهر جهل و ابتدال و دروغ کرده ترویج پای بوسی را کشوری را فزوده گشت شرف چونکه بی مایه گشت استادش سنگ بر آن آدمی شرفدارد رشوه و زور و شهوت و نخوت: کاش این انقلاب پراشار ستم کهنه چهره نو نکند بعد یک قرن فرج و جانبازی اینکه شد کاخ سلطنت ویران سرطانی برون شد از تن ما باری ای خلق پر شهامت راد



راه پیمانی پر شکوه مردم میهن مان بر ضد خبر گزاریها و مطبوعات امپریالیستی و صهیونیستی که در تاریخ ۲۵ ر ۹۲ ۵۸ بانظم انقلابی چشمگیر و بی نظیری بو گزار شد

انقلابی همین قشر «مرفه» نیز به رژیم شاه پشت کرد و بسفوف مردم بیوست. مردم میهن مادر روزهای انقلاب نشان دادند که بهای ترین مدارج اینار و همبستگی، به والاترین مراتب اخلاقی و به رفیع ترین قله های افسانه وار انسانیت، که همگان از داستانهایش باخبرند، دست یافته اند. این تجربه گرانقدر تاریخی نیز از دستاوردهای بزرگ انقلاب است.
شرکت وسیع و میلیونی مردم در امر انقلاب که نقش اوج فعالیتهای سیاسی خلق است و به دنبال آن رسوخ اندیشه ها و بحثهای سیاسی، در هر مدرسه، کارگاه، اداره، دفتر و خانه و حتی دور افتاده ترین روستاهای کشور، متشکل شدن میلیونها نفر از جوانان و سالمندان، زنان و مردان در سازمانهای سیاسی، شوراه، انجمنها، در بحثها و مسائل سیاسی، هدایت وسیع و شدید آنان در امر نوسازی و عمران کشور، جنبه های دیگری، زود تاوردهای انقلاب بزرگ خلق ماست.
خلقهای قهرمان ایران، امروز میتوانند با تکیه بر دستاوردهای بزرگ و تاریخی انقلاب خود، یعنی درهم کوبیدن ساطل چند هزار ساله سلطنت و بیرون افکندن

استعماری سرمایه داری نظیر زیاده طلبی، تجمل پرستی، ریخت و پاش و دزدیک کلام روی گردانیدن از مظاهر جامعه مصرفی است. باید این گرایش را که همواره انقلاب به جامعه مارا یافته قلماعنه تقویت کرد و گسترش داد.
رژیم محمدرضای مخلوع بنابه توصیه کارشناسان آمریکائی میکوشید تا یک قشر مرفه مصرف کننده در جامعه ایجاد کند؛ که در عین حال پایگاه اجتماعی آنرا تشکیل دهد. بدیهی است که شرایط تأمین این «هدف» بدست آوردن پول فراوان از هر راه و بهر شیوه ای بود. رژیم باتوسل به تمام حیلله های تبلیغاتی و روانشناسی میکوشید تا عاقل به مصرف و در نتیجه حرص گردآوری پول رادر بین مردم توسعه دهد و در عین حال، سالوسانه از انحصار اخلاقی و بر افتادن ارزش های معنوی در جامعه که نتیجه قنومند نظام سرمایه داری و سیاست خود او بود، دم بیزد و آنرا نکوهش میبرد. در حالیکه بقول مارکس: «اخلاق حاکم بر جامعه، اخلاق چیست حاکمه است.» و این رژیم شاه بود که فاشر و راهگشای فساد و انحطاط و تباهی در جامعه بود.
شکست آنکه، همرا با گسترش مبارزه

ایرانی بشر رسید، حل فوری و قطع مسئله ملی نیز مطرح گشت، ولی دولت موقت به نخست وزیر سپیدس باز رگان برای حل این مسئله، اقدام نکرد. عوامل ضد انقلاب، چپ نمایان و چپ گرایان با کمک ستقیم امپریالیسم آمریکا نیز هر یک به امید بهره بردن از این وضع به گل آلود ساختن بیشتر آب و زهر آکین کردن جو سیاسی پرداختند.
حزب توده ایران از همان آغاز خواستار حل مسئله ملی از جمله مسئله کردستان از طریق مسالمت آمیز گردید و مذاکرات سیاسی رادرجو حد اعلائی تقام و برادری بمنابه یگانه راه حل مسئله اعلام کرد و این خواست را بیکرانه دنبال گرفت.
امام خمینی در پیام تاریخی خود خطاب به خلق کرد در مورد این مسئله از جمله گفت:
«این جنب میدانم که در حکومت موقت هم آنطور که خواست شماست است (باین مسئله) رسیدگی نشده» امام خمینی در پیام تصریح کرد که «حق اجازه امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است، منجمله برآوردن کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت میباشد.»
متأسفانه در مذاکرات، بعلت کار - شکنیهای عوامل مغرب و مسدود جو، راه حل مطلوب سرعت بدست نیامد و تا این لحظه که این مسطور نوشته میشود، هنوز مذاکرات بتناهی قفل نرسیده است، هر چند که امید به حل قلمی و نهائی، آنها، علیرغم خرابکاریهای ضد انقلاب و امپریالیسم و دولت عراق فزونی یافته است.

کا، دشمن اصلی خلقهای جهان

عید به کوچه ما نیز آمد...

چوینده ای که این روزها باستانی تاریخی مانند «التقسیم فی ضاعته التتجیم» ویا «آثارالباقیه من القرون الغالیه» از ابوریحان بیرونی یا «المعاصرین والاضداد» جاحظ و نظایر این نوع آثار، مطلب یافتن واقعاتی درباره جشن نوروز، مراجعه میکند، نخست از این امر که اینهمه خاطره بزرگترین جشن بهاری را سلطنت مستبده طی قرنها و قرنها آلوده است، دلآشته میشود.

«فرهنگ» شوم شاهنشاهی همجا میروشان برده ساز خود را گذاشته و همجا سخن از جامهای زرین زیر جلد نشان ویا گوزههای سیمین یاقوت آگین در میان است که بندگان شاهنشاه بعنوان هدیه نوروز تقدیم میکردند. حجاج بن یوسف ثقفی، حاکم خونخوار عرب، که نه به اسلام ارادت داشت و نه به پارس شفقتی، مراسم نوروز را پس از مدتی تعطیل برای آن برپا داشت که به سپاه «عیدانه» تاده میلیون درهم خراج خاص نوروز از ایرانیان بستاند! خلفای عباسی شاعران را به ثنای «نیمروز و سپهر جان» وامی داشتند، زیرا این فرصتی بود که به سبک شاهنشاهان ساسانی، به سپاه هدیه عید، مردم راسروکیسه کنند.

اینک رژیم جمهوری اسلامی تعطیلات نوروز را تا هفت روز تعیین کرده، نمی دانیم آیا باتوجه به این نکته است که در واقع پیش از اسلام نوروز «عامه» پنج روز بود و ۷ روز دیگر «نوروز خاصه» نام داشت، که به عیش و عشرت شاه و خانواده اش اختصاص می یافت یانه. بهرجهت مردم آنرا تا «سیزده بدر» ادامه میدهند.

منشاء عید نوروز را آغاز گرمگاه (یا انقلاب صیفی) میدانند. چنانکه منشاء عید مهرگان را آغاز سرما (یا انقلاب شتوی) می شمردند. ازجمله تقویم تاریخی خوب روشن نیست که ازکی نوروز با اولین روز فروردین ویا با اصطلاح «تعداد ریبی» (یکسانی شب و روز) منطبق شد.

برخی آنرا به تنظیم تقویم جلالی در دوران سلجوقی مربوط میکنند، ولی دلایل فراوانی در دست است که نوروز از همان عهد ساسانیان، در آغاز سال بود و در شاهنامه فردوسی بنیاد این جشن به جمشید نسبت داده شده است. بی شائبه گمان می توان گفت که نوروز و مهرگان و برخی از دیگر جشن های مابا کشاورزی و دامداری ارتباط دارد، یعنی دارای منشاء خلقی و بنیاد طبیعی است، لذا جشنهای واقعی است و عبت نیست که هزاران سال سنت آن دوام آورده است و بجاست که نظام جمهوری اسلامی نیز آنرا محترم دارد، چنانکه به همین ترتیب نیز رفتار کرده است. سال گذشته نخستین نوروز بدون شاه در تاریخ هزاران ساله میهن ما بود. انقلاب این درخت زقوم شوم و چینی استبداد سلطنتی را از سرزمین ما برکنار کرد و میدواقعی را بکوچه ما آورد. شاید نسل معاصر حس نکند که در کشورش چه رویداد سندی واقع شد. استبداد شرقی، که شاهنشاه و فغفور و خاقان و فرعون و خلیفه و سلطان آفریده، سیاسی، که از عرصه جهان نابود شد و لوٹ وجود آخرین نمونه و پست ترین نمونه اش، که استبداد پهلوی بر مردم بود، از خاک پاک وطن مازودده شده است. سیاسی بر مردم، سیاسی بر انقلاب، سیاسی بر امام خمینی!

این نوروز دومی است که برپا میشود. جشن به صاحبانش بازگشت، یعنی به کشاورزان و دامداران و همه زحمتکشان، که خواهران و برادران طبیعت و یاران و دوستداران آنند. جشن بر صاحبان اصلیش خجسته باشد! امید است بر فروغ این عید واقعی، که به گوی مستضعفان آمده، دمدم افزوده شود، تا آنجا که نوروز ما به فر و فرهنگس انسانی و جهان پسند دست یابد. نویسندگان «نامه مردم» این جشن باستانی را در جامعه نوین خلقی آن به همه مردم عزیز ایران سیمانه شادباش می گویند.

پیام سال نو...

این سال نو،
ای هم مین،
از آن نوست.
آفریده نوست.
پیش از آنکه زانیده زمان باشد

و تو، در این سال نو،
بهترین را برگزین، از زندگی
و آنرا به نبرد هدیه کن

پابلو نرودا
شاعر انقلابی شیل

پرولتاریای جهان متحد شوید!



روز اول ماه مه، جشن اتحاد پرولتاریای جهان علیه ستمگران و استعمارگران، پس از ۲۵ سال، در کشور انقلابی ما برپا گردید و میلیونها زحمتکش بارزه خویش در خیابانها، عزم خود را به پشتیبانی بیدریغ از انقلاب و تثبیت و تحکیم دستاوردهای آن اعلام داشتند. طبقه کارگر، بزرگترین دشمن رژیم وابسته پهلوی و طبقه ای که با دلاوری و پایداری حیرت انگیز خود در سرنگونی این رژیم بلید، عمده ترین نقش را ایفا کرد، در بهار آزادی، پس از یک ربع قرن، جشن همگانی خود را برپا کرد. درود بر طبقه کارگر قهرمان رزمنده ایران!

سالگشت ملی شدن صنعت نفت...

بقیه از صفحه ۵

جبران ناپذیر از کجا بر یکسر ایران ستمدیده و جامعه رنج دیده آن وارد آمد؟ پاسخ این سوال اینست که: همه این سدمات و لطامات از تسلط امپریالیسم آمریکا و انگلیس و انحصارات بین المللی نفت پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر کشور ما نازل شد. همه مرکزی این سدمات و لطامات را ولع امپریالیسم آمریکا و انگلیس و انحصارات غارتگر آن به غارت ذخایر نفت ایران و تسلط استراتژیکی بر وطن ما، به مثابه پایگاه تجاوز علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای رهایی بخش ملی تشکیل میداد. بنا به اقتضای طبیعت غارتگرانه و تجاوزکارانه انحصارات غارتگر امپریالیستی در درجه اول کارتل بین المللی نفت بود که در معرض شدید ترین غارت و استثمار استعماری قرار گرفت. میلیاردها تن ذخایر نفتی آن به یغما رفت، اقتصاد ملی آن بورشکستگی سوق داده شد و سرمایه داری وابسته مونتازی بعنوان اهرم مطمئن ادامه استثمار و استعمار مردم ایران بسود امپریالیسم رژیم دست نشانده پلیسی بشکل سرمانزا به رشد و نمو پرداخت. اسارت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی ایران در ربع قرن اخیر علل و موجبات بسیاری دارد. لیکن نباید فراموش کرد که در مرکز همه این علل و موجبات طبع امپریالیسم و انحصارات نفتی آن به غارت ذخایر ثروت نفت ایران قرار داشته که - چنانکه در ابتدا اشاره کردیم - از ابتدای قرن تاکنون حلقه گرهی تهاجم امپریالیسم و استثمار و مبارزات

رزم موفقیت و بیروزی حول محور دفاع سرسختانه از این جنبش و چابداری از مبارزه قاطع علیه موانع همه دول امپریالیستی و پایگاههای ارتجاع داخلی درده و شسر و طرد عوامل سازشکار دور میزد. اکنون نیز در جریان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، رزم بیروزی و موفقیت کامل این انقلاب حول محور مبارزه قاطع علیه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، تا طرد کامل هر نوع وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی به آن، محوسر سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی در کلیه زمینه ها در شسر و ده، منبری ساختن لیبرالها و سازشکاران، تحقق هدفهای خلقی انقلاب، یعنی استقرار حاکمیت جنبه متحد خلقی، که در آن نقش اساسی را توده های زحمتکش ایفاء میکنند، دور میزند.

فصلن مطمئن نیل باین اهدای، ایجاد جنبه متحد خلقی مرکب از کلیه نیروهای دمکراتیک و ملی، سرفنظر از تفاوت های عقیدتی و سکتی وایدئولوژیکی است، که با برخورداری از رهبری قاطعانه امام خمینی و بیروزی از خط او میتوان به آرزوهای دیرین مردم ایران در برخورداری از استقلال و آزادی، منجمله استفاده مستقل از نفت ایران، بنام تامین سعادت ملت مرکب به صلح جهانی، آرزوی که درسی سالیین در قانون ملی شدن نفت انعکاس یافته، جامه عمل بپوشاند.

بپوش بانسیم و سالگشت ملی شدن نفت را با بزرگداشت ارزشهای که انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما درام میبخشد و دستاوردهای آن را از زبان توطئه های امپریالیسم خیلگر و ارتجاع وابسته به آن محفوظ میداریم، برگزار کنیم. به یقین این بهترین یادبود از جنبش تاریخی ملی شدن نفت است، که نه تنها در تاریخ مبارزات و در جریان کنونی مبارزات عظیم خود علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی تجریبات حاصل از آن را بگزار گذشت زمان، در حسته نمانان

برای اطلاع و قضاوت اعضا، هواداران و دوستان حزب

سرود
پنجم
حزب
توده
ایران

سپاهیان نور نگر تویر ایران
ز پرتو امید زمان شده تابان
که انقلاب خلق چو تندری غران
شرار رستاخیز
به یستر جوانها
کنون کند گلریز
خیزید ای توده ها
چنیند اینک ز جا
اکنون خصم وطن
افسون داند روا
بدخواه انقلاب
جوید خواری ما
ضد هر دشمنی
باید چنین ز جا
ای خلق بیدار
در رزم هشیار
پرپا ای توده کار
ره پو با چشم بیدار
پا دار در رزم دشوار
عقلت روشن دلت جسور
از این وادی نما عبور
توده باید ره گشای سوی روزی نو
راه نو را چون ارانی او شود پیرو
بی هراس از بیم دشمن همزه خسرو
مگردشمن ارزشش دان کمتر از یکجو
توده باید رفته رفته پایز
روزگاری نو کند آغاز
سوی چرخ نو کند پرواز

چهارشنبه سوری و سیزده بدر

روایات متعدد ایرانی و اسلامی درباره علت برافروختن آتش در شب چهارشنبه سوری وجود دارد که نمی‌توان آنها را روایات تاریخی و مستندی دانست. آنچه مسلم است آنست که رسم برافروختن آتش در «چهارشنبه‌سوری» قاعدتا باید از دورانهای باستانی بیادگار مانده باشد.

واژه «سوری» از ریشه «سور» مشتق شده، که به معنای «سرخ» است. چهارشنبه را از آنرو «سوری» نامیده‌اند، که در آنروز آتش سرخ افروخته میشود.

در چهارشنبه سوری، در ایام گذشته، گاه هفت کپه آتش می‌افروختند، که نمایانگر شمار هفت امشاسپند، یعنی بی‌مرگان مقدس (اهورمزدا، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفندارم، خرداد و مرداد) بود. شش امشاسپند، که بدنیال اهورمزدا آمده‌اند، نخستین آفریده‌های وی هستند. آنان در اصل، صفات اورمزد بوده، که هر یک بصورت مظهری درآمده‌اند. و گاه سه‌کپه آتش

می‌افروختند (به نشانه منش نیک، گفتار نیک و کردار نیک) این سه رکن از ارکان مهم دین زرتشت محسوب میشود و گاه نیز یک کپه آتش-نمودار وحدت اهورمزدا و فرشتگان وی در مقابل اهریمن زمان، در برگزاری جشنهای سالیان دور گذشته، انگیزه‌های خلقی و گناه انقلابی چشم می‌خورد. چنانکه جشن مهرگان بمناسبت پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک و یا جشن تیرگان بیاد قهرمانی آرش کمانگیر و پیروزی ایران بر توران زمین بوده است.

یکی از آیین‌های دیرین پرچای مانده ما، مراسم آتش افروزی است. واژه «آتش» از ریشه سانسکریت آمده است بمعنی خورنده قربانی. ایرانیان آتش مقدس را از نظر مقام، فرزند اهورامزدا دانستند. و پیش از فرارسیدن جشنهای مذهبی، به آتشکده‌ها رو آورده، به نیایش می‌پرداختند. دوران ماقبل زرتشت، هنگام برگزاری آیین نیایش، حیوانات اهلی رابه تعداد فراوان درکنار آتش قربانی می-

فعالیت‌های ضدانقلاب و کارشکنی‌های بورژوازی لیبرال

بقیه از صفحه ۴

نقشی جز «اسب‌تروای» امپریالیسم و راهکنای موقفیت‌توطئه‌های امپریالیسم رابازی نمی‌کند و در واقع نمی‌تواند بازی نکند.

براساس اسناد افشا شده توسط دانشجویان پیرو خط امام، عصال امپریالیسم آمریکا را که علیه انقلاب ایران فعالیت میکنند و نیز نیروهای را که منطبق بر سیاست‌های امپریالیسم اندیشه و عمل میکنند، می‌توان به چند گروه مشخص تقسیم کرد:

۱- سرمایه‌داران وابسته. این قشر از سرمایه‌داری که منافع او در پیوند، مستقیم با منافع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا قرار دارد و پیروزی انقلاب بزرگترین ضربه را بر پیکران وارد ساخته، مستقیماً در موقفیت تحریکات و توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب، ذینفع بوده و با تمام قوا در اینجهت به امپریالیسم یاری میرساند. افرادی از این قشر که از لحاظ سیاسی فعال بوده‌اند، مستقیماً یا «سفارت آمریکا» رابطه داشته‌اند. از روغسی و لاجوردی بدون مثال می‌توان نام برد.

۲- بورژوازی لیبرال. این قشر از سرمایه‌داری، که همراه انقلاب آمده، خواستار حفظ نظام سرمایه‌داری و همکاری با امپریالیسم آمریکاست. برخی نمایندگان آن مستقیماً با جاسوسان آمریکایی ارتباط داشته‌اند و اطلاعات خود را به سفارت آمریکا می‌دهند. اینها مدت دهها سال با کمک آمریکا در صحنه سیاسی «زنده» نگاه داشته شده بودند تا از منافع امپریالیسم پاسداری کنند. بر طبق اسناد افشاده، انبهای از این گروه که مستقیماً یا «سفارت» تماس نداشته‌اند، بواسطه مطابقت شی سیاسی آنها با اهداف امپریالیسم آمریکا، از طریق غیرمستقیم برای فعالیت آنها برنامه ریزی و سازماندهی میشده است.

۳- گروه‌های وابسته در ارتش. به گفته دانشجویان امپریالیسم آمریکا از طریق مستشاران خود که در ارتش فعالیت میکردند و تعداد آنها پس از انقلاب به ۲۰۰ نفر تقلیل یافته بود، اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری میکردند. دانشجویان گفتند که امپریالیسم آمریکا برای جبران کاهش تعداد مستشاران خود در ارتش، جاسوسانی با کیفیت بالاتر، خیره‌تر و با سابقه بیشتر به ایران اعزام میداشته است، چنانکه برخی از آنها که جزو گروه‌های وابسته، سابقه فعالیت‌های زیادی در جلی، ویتنام، آفریقا و غیره داشته‌اند. طبیعی است که جاسوسان امپریالیسم آمریکا در ارتش از قبایض ضد اطلاعات و یا سازمان جاسوسی پیشین امپریالیسم بهره زیادی می‌برند. برکناری عددهای زیادی از افسران ارتش، بویژه دوتیردی هوانی در ماه‌های اخیر، دستگیری فرمانده نیروی دریایی و دستگیری‌های دیگر از افسران، بیانگر فعالیت‌های دامنه‌دار و توطئه‌گرانه جاسوسان امپریالیسم آمریکا در ارتش ایران است. سرهنگ توکل نیز در «ماهنامه» به دوره پس از انقلاب اندیشیده‌ام که به ارتش، ارتش قوی و قابل اعتماد نیاز خواهیم داشت.

۴- جاسوسان سیا. دانشجویان گفتند که امپریالیسم آمریکا با اعزام شبکه‌هایی از جاسوسان در دوره کارآموزی «سیا» زیر پوشش‌های گوناگون و با اسناد هویت

جلی، فعالیت خرابکارانه خود را سازمان داده است. این جاسوسان از طریق تماس با لیبرالها، از طریق مجامع شبهه و مهمانی‌های سفرا، از طریق کلاس‌های زبان انگلیسی و زیر پوشش تجارت یا فعالیت‌های اجتماعی، اطلاعات جمع‌آوری کرده و توطئه‌ها را سازمان می‌دهند. ۵- ضد انقلابیون خارج و داخل کشور. هزارها ساواکی، روحانی نما، سرمایه‌دار و عنصر خود فروخته که به خارج از کشور گریخته‌اند و یا در کشور معاف از مجازات، آزادانه فعالیت میکنند، طرح‌های توطئه‌گرانه، تحریک آیز و تفرقه‌افکنانه امپریالیسم را عملی می‌سازند. دانشجویان گفتند که امپریالیسم آمریکا از طریق روحانی نمایان وابسته به خود گرد آوردن آنها حول یک روحانی بخصوص و سوء استفاده از نفوذ وی، کوشش میکنند تا در ارگانهای انقلاب نفوذ کنند و در کار آنها اختلال نمایند.

تحریکات ضد انقلاب علیه دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها و سپاه پاسداران

امپریالیسم آمریکا ضربات مهلکی از انقلاب دریافت کرده بود. سرنگونی رژیم دست نشانده پهلوی و پایان یافتن نقش ژاندارمی ایران، خروج از ستون، خاتمه

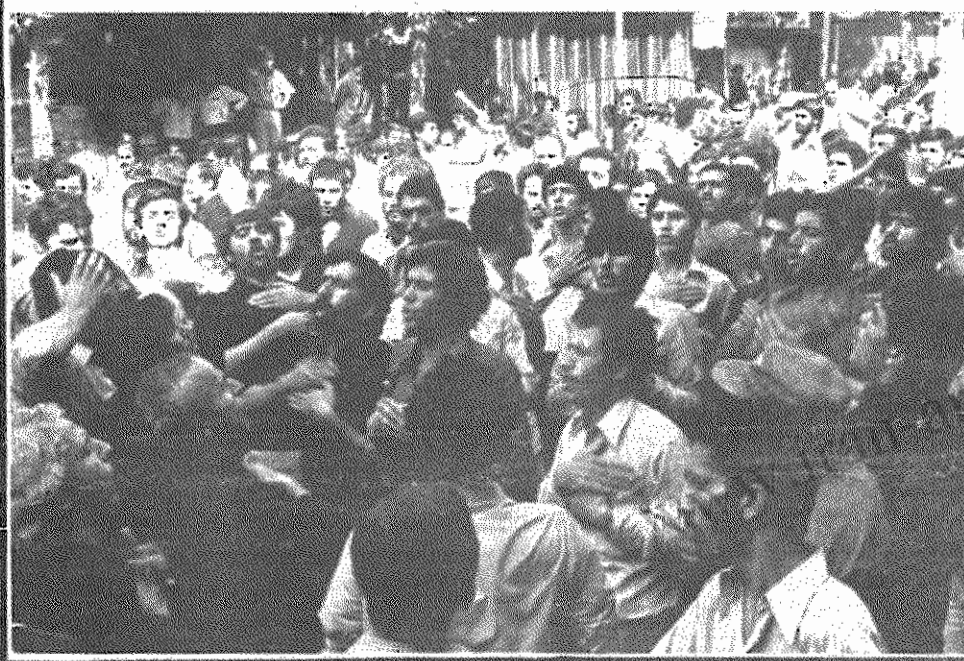
سوک بزرگ

درگذشت ناگهانی پدر طالقانی، مبارز نستوه، مردم را پشت تکان داد و آنسوا را، همه آنها را به خیابانها کشاند و به گفته امام، «انفجاری بزرگ» پدید آورد.

مردم در اینروز، در خیابانها، از صمیم قلب گریستند و با ایمان راسخ با راه او و یاد او پیمان بستند.

پدر طالقانی، که مظهر بزرگی از روح و میسارزه مردم ما علیه رژیم دست نشانده پهلوی بود، در جمله برجسته‌ترین بیاتگران اسلام انقلابی و اسلام مستضعفین بود.

یادش گرامی باد!



برای انجام و تلایف هر روز خویشتن به یاد اسرا آیدند، متوجه شدند که بدلیل غیرمنطقی و مهم آنها را برکنار کرده‌اند. آنها در تیرماه، در حضور امام گفتند:

«با توجه پایتنگی حقوقان بودیم، بدلیل مهم دادسرای انقلاب را تصفیه کردند... ما آمده‌ایم اعلام کنیم جلوی عمل تصفیه تنها ارگان انقلابی انقلاب را گرفتند... ما آمده‌ایم که بگوئیم که هنوز ضد انقلاب زنده‌است و فعالیت‌های کار می‌کند... ما آمده‌ایم بگوئیم عناصر فعال و سره‌های اصلی رژیم را بدون محاکمه آزاد می‌کنند.»

یکی از بازپرسان برکنار شده، در نامه‌ای که در ۲۶ تیرماه در اطلاعات منتشر شده نوشت:

«بعد از گذشتن کار دادگاه‌های انقلاب عوامل مخرب سیا و ساواک جان تازه‌ای گرفتند و دوباره به تهران آمدند و حالا در تهران عمل می‌کنند.»

بازپرس انقلاب همچنین بر اساس تجارب خود نوشت:

«تجربه ثابت کرد که همین افراد آزاد شده (ساواکیها)، دست از توطئه علیه انقلاب برنداشتن و مرتباً در فکر ضربه زدن به انقلاب می‌باشند... کار ساواکیها، بهره‌گیری از اختلافات گروهی، نقاب‌افکنی در صفوف متشکل مبارزان و حضور مخالف در هر اجتماع و قطع پیوند و تیرگی روابط امام خمینی با دولت بازگان شدت وحشت داشت. کوشش دولت موقت برای استفاده از عمل رژیم پیشین در ارگانهای کشوری و لشکری، کوشش برای جایگزین کردن لذت عنفوان بجای «انتقام» و آزاد شدن گروه کثیری از «جلادان، جانان، جاسوس» سیا، امیر انتظام، بیان‌کننده

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

نوروز آزاد

چو گل بروی یکدیگر بخندیم
رسید آرزو عروس عید و آسود
گرامی، مقدم او را شماریم
که افشاند غبار از چهره خویش
بامیدی نشانیم آه سردش
که از گورشیدان بازگشته است
ولیکن ترک آزادی نگشته
که باشد مرگ، خوشتر از اسارت

در و دیوار شهر آذین ببندیم
زمان، دروازه تاریخ بگشود
بیا بسایند گمراهی
گذاریمش یکی آینه در پیش
بدست مهرگیریم اشک دردش
بماتم حسرتش از حد گذشته است
شهیدانی بخون و خاک خفته
همه بسپرده جان با این اشارت:

بگور راد مردان گل بریزیم
که باز آمد دوم نوروز آزاد
جز این دیدار، دیداری شاید
شوند آزرده از باد بهاران
فشانند صبحدم گلگونه ژاله
زاشک لاله خونین جگر گشت
درش کاوه را در خاطر آرند

رفیقان! چه خوش کز جای خیزیم
کنیم از کشتگان راه حق یاد
بدیدار شهیدان رفت باید
در آنجا لالهها چون داغداران
بگور هر شهیدی، چشم لاله
اگر چشم عروس عید تو گشت
ز بس این لالهها خونین عذارند

ز دیدار شهیدان رخ نتابیم
بمهر دوستان امیدوارند
که بنیان دگر آیین گذاریم
روان گردیم، ما آینده سازان
بسوگند آن عزیزانرا بگویم
که راهی جز ره آنان نبویم

رفیقان! بگورستان شتابیم
که این جانانگان در انتظارند
بگناه حسن، پاس کشته داریم
سرد گسرد بومزار پاکبازان
بسوگند آن عزیزانرا بگویم
که راهی جز ره آنان نبویم

موج
اسفند ۵۸

فعالیت‌های ضد انقلاب و کارشکنیهای بورژوازی لیبرال...

بقیه از صفحه ۹

دیوانه‌وار آنها نسبت به رهبر انقلاب، با «دارت» سوراخ سوراخ شده بودند. کوشش امپریالیسم آمریکا برای تسخیر رهبر انقلاب به اشکال مختلف صورت می‌پذیرفت. از ترور شخصیت‌های انقلابی نزدیک به رهبر انقلاب تا ایجاد ناراضی در میان مردم، کوشش برای بی‌اعتبار ساختن انقلابیون (بقول توکلی «محرکین») وزیر شریه قراردادن آنها، تفرقه افکنی و پراکندن تخم بدبینی در میان خلق و بالاخره تحریک جنگ برادرکشی. عمل امپریالیسم آمریکا از یکسو با پنهان کردن چهره خویش زیر پوشش «انقلابی» و «مبارزه برای کسب حقوق حقه خلق» و نیز «آزادبخوایی»، علیه انقلاب و رهبر انقلاب به تحریکات دست زده بدبینی ایجاد می‌کردند و از سوی دیگر نیز با تحریکات متقابل، بدبینی را موجه جلوه می‌دادند و تشدید می‌کردند. اکنون دیگر آشکار شده است که فعالیت‌های گروهک‌های چپ نما و «آزادی» طلبی چون «خلق مسلمان» و «کومله» و گروهکهای مائوئیستی، از چه منشا ناشی می‌گشته است. وجود عده کثیری عواصیل ساواک و سیا و سرمایه‌داران بزرگ در «خلق مسلمان» و حمایت حکومت وابسته عراق از «کومله» و تسلیم آن و امتثال، نقش مخرب امپریالیسم آمریکا را در این توطئه آشکار ساخته است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در جلسه روز ۷ دیماه در آمفی‌تئاتر دانشکده پلی‌تکنیک، سندی را قرائت کردند که در آن گفته میشد: «اویسی یا سفارت آمریکا در فرانسه تماس گرفته و درباره تجهیز عده‌ای از گروه‌ها توسط پالیزبان با سفارت گفتگو کرده است».

امپریالیسم آمریکا به جنگ برادر-کشی در کردستان امید بسیار بسته بود و از ماهها قبل برای ایجاد آن تدارک میدید. تحریکات ضد انقلابی در گنبد، سنج و سپس در نققه و تلاش برای متسر و راه‌ود کردن کمونیستها (محرکین) همرا با روشهای نادرست گروههای چپ و بدبینی شدید را باعث شده بود که بشدت دامن زده میشد. برخی مقامات مسئول دولتی نیز بجای تسبیح، این برپاشی را در رهبری انقلاب تقویت می‌کردند. آقای چمران در ۱۹ تیر ماه گفت: «روسیه شوروی اکنون احساس میکند که نظام اسلامی ایران نمی‌خواهد به او باج بدهد. جاسوسان روسی وارد مرزها میشوند، هلیکوپترها افراد را به مازندران و آذربایجان می‌آورند. توسط کشتی اسلحه به بحر خزر می -



دریای خشم علیه شیطان بزرگ، امپریالیسم آمریکا

راه‌پیمانی وحدت علیه امپریالیسم آمریکا، تظاهرات خشم علیه جلا دهنده‌ها، نعره‌ها، زخم‌کشش ما، رژیم ملیه شیطان بزرگ و ام‌الفساد قرن، قدرتی که ملت ما را به محاصره اقتصادی و تجاوز نظامی تهدید میکنند، راه‌پیمانی نفرت علیه سرکرده غارتگران و جنایتکاران، علیه سرکرده امپریالیست‌ها، امپریالیسم آمریکا! سال گذشته، سال تسدوام رژه خشم و نفرت علیه دشمن اصلی خلق‌های جهان و توطئه‌گر اصلی علیه انقلاب بزرگ ایران، امپریالیسم آمریکا بود. در این سال خیابانها و کوچه‌ها همچون دوران انقلاب از رژه خشم و کین آکنده بود. در آن روزهای مرگ و خون، شعار: «مرگ بر شاه» بود، ولی در سال گذشته، خواست همگان این بود: مرگ بر آمریکا! مرگ بر سازشکار!

از خروش نفرت خود نسبت به امپریالیسم آمریکا نشانه بودند، به سفارت امپریالیسم آمریکا و تسلیم عقارت آمین بورژوازی لیبرال در مقابل این عمل آشکارا خصمانه، پاسخی می‌دادند و دندان شکن دادند. رهبر انقلاب همچون همیشه به ندای توده‌های مردم پاسخ مثبت داد و انقلابی آغاز شد بزرگتر از انقلاب اول. جاسوس‌خانه امپریالیسم آمریکا، مرکز توطئه و جاسوسی در منطقه، تسخیر شد و چراغ متعفن و خونین آن بیرون ریخت. قرارداد دو جانبه با امپریالیسم آمریکا، یعنی سند اسارت ایران بدست آمریکا، که ۱۰ ماه تنها به کوشش دولت موقت ایفا شده بود، پاره شد. جریان نفت به روی امپریالیسم نفتخوار قطع شد، مرزهای هراتی و دریائی ایران به روی آمریکا بسته شد. امام خمینی در پیام خود به مردم رنج‌دیده کردستان، که از آن شجاعت و صداقت بیمانند و تحسین‌انگیز می‌تواند، حق خلق کرد را در اداره امور داخلی خود تأیید کرد و آنها را به وحدت در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا دعوت نمود. پیامی که بلافاصله موج عظیم پشتیبانی و تأیید خلق کرد را برانگیخت و نور یکانگی در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، بجای تیرگی، نفاق و بدبینی، ایران را فرا گرفت. مذاکرات صلح کردستان، علیرغم کارشکنی دشمن به پیش رفت و دورنمای امیدبخشی یافت. اصلاحات ارضی بنیادی بسود دهقانان در دستور کار شورای انقلاب قرار گرفت و گامهای جدی برای ایجاد تحولات عمیق اقتصادی در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه برداشته شد. فرمان بسیج تمامی خلق برای مقابله با تجاوز اجتماعی امپریالیسم آمریکا، از طرف امام صادر شد. هر یک از این ضربات، که زخم‌هملکی بر پیکر سیطره امپریالیستی در کشور ما وارد می‌آورد، زوزه‌های خشم‌آگینی را در دشمن برمی‌انگیخت. امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها، راهزنانه حسابهائی بانک ایران را مسدود نمودند و ایران را به تجاوز نظامی و محاصره اقتصادی تهدید کردند. امپریالیسم آمریکا ناوهای خود را سوی سواحل ایران روانه کرد و در تدارک ایجاد سپاه واکنش سریع ۱۱۰ هزار نفری برای حمله به مناطق نفت‌خیز خاورمیانه که از ابتدای پیروزی انقلاب گامه‌بیکار مطرح گردیده بود، تسریع شد. توطئه‌های عظیم‌تری تدارک میشد و کودالهای عمیقتری بسر راه انقلاب ایران حفر میگردید.

در اواسط آذرماه، در تبریز توطئه‌ای بوقوع پیوست. گروه‌های گوناگون ضد انقلابی، زیر لوای «آزادبخوایی» و «تصحیح قانون اساسی»، به تحریکات وسیعی دست زدند. از سراسر کشور نیروهای که میکوشیدند به توطئه امپریالیسم آمریکا، ایران را سراسر کردستان، سازند، بجانب آذربایجان روانه شدند. «حزب خلق مسلمان»، «حزب ایران»، «کومله»، «فرقان»، گروه اشرف دهقانی و دیگر گروهک‌های مائوئیستی نیروهای خود را به تبریز گسیل کردند تا نمونه شاخصی از

راه‌پیمانی وحدت علیه امپریالیسم آمریکا، تظاهرات خشم علیه جلا دهنده‌ها، نعره‌ها، زخم‌کشش ما، رژیم ملیه شیطان بزرگ و ام‌الفساد قرن، قدرتی که ملت ما را به محاصره اقتصادی و تجاوز نظامی تهدید میکنند، راه‌پیمانی نفرت علیه سرکرده غارتگران و جنایتکاران، علیه سرکرده امپریالیست‌ها، امپریالیسم آمریکا! سال گذشته، سال تسدوام رژه خشم و نفرت علیه دشمن اصلی خلق‌های جهان و توطئه‌گر اصلی علیه انقلاب بزرگ ایران، امپریالیسم آمریکا بود. در این سال خیابانها و کوچه‌ها همچون دوران انقلاب از رژه خشم و کین آکنده بود. در آن روزهای مرگ و خون، شعار: «مرگ بر شاه» بود، ولی در سال گذشته، خواست همگان این بود: مرگ بر آمریکا! مرگ بر سازشکار!

نقشه فیلمسازی سیا علیه افغانستان فاش شد

رژیم شیاهالحق پیش از این در لجنزار همدستی با امپریالیسم امریکا و نادیده گرفتن منافع خلفای پاکستان فرو میرود. این رژیم در اجرای طرحهای امپریالیسم امریکا و مائوئیستهای چین علیه افغانستان نقش درجه اول را برعهده گرفته است...

امپریالیسم پدیدهای روز و زال است

محمود دربالای، مقام برجسته جمهوری مکران افغانستان، که در کنفرانس اخیر شورای جهانی صلح در آریس آبا شرکت کرده بود، گفت که ویتنام، کامبوج، لائوس، اتیوپی، افغانستان و نمونه‌های دیگر انقلاب‌های پیروز و زنده شان مبدعه‌کننده امپریالیسم دهر ابر امواج همگین و دردمشکن جنبش‌های رهایی بخش است...

رفیق کیانوری: مسئولیت دخالتها و نارسائی‌ها در انتخابات مجلس شورایی ملی با شورای انقلاب و ریاست جمهوری است

نماینده‌گان حزب جمهوری اسلامی و گروه‌های موافق آن، حتی در روز پنجشنبه و جمعه از همه امکانات استفاده کرده و مردم را علیه گروه‌های دنگر و بوزیر حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق تحریک کرده‌اند.

بنسبست دخالتها، تقلبات، نارسائی و کمبودهایی که در جریان انتخابات مجلس شورایی ملی مشاهده شده است «نامه مردم» لازم دید نظر رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را در این باره بپرسد. در زیر پرسش‌ها و پاسخ‌ها را می‌خوانید:

پرسش: فکری که می‌کنید مسئولیت اصلی با کیست؟ پاسخ: بنظر من، مسئولیت درستی انتخابات در چهارچوب همان مقررات و قوانین کوشش شده، با شورای انقلاب و رئیس جمهوری است، که در ضمن ریاست شورای انقلاب راه‌مبهمه دارد. این‌ها دو مقام رسمی مسئولیت‌دار مورد قبول اند. شورای انقلاب است که سرپرست وزارت کشور دامین کرده و سرپرست وزارت کشور است که تمام نهادها و سازمان‌های اداره‌کننده انتخابات را تعیین کرده و مسئولیت درستی کار را برعهده گرفته است.

پرسش: نظر شما درباره دخالتها و تقلباتی که هنگام رای گیری در انتخابات مجلس شورایی ملی صورت گرفته، چیست؟ پاسخ: خبرهایی که از بسیاری از شهرها و مراکز رای گیری می‌رسد، گویای این واقعیت است که نتایج پیش از رای گیری از سوی مقامات با نفوذ مرکزی و محلی اعمال نفوذهای جدی بعمل آمده، بلکه در جریان رای گیری هم تقلبات بسیاری انجام گرفته است. این تقلبات آتقدیر شور است که خان‌هم‌بصدا در آمد و حتی سرپرست وزارت کشور و رئیس جمهور هم بخشی از این تقلبات را پذیرفته‌اند.

«چپ‌زدائی» بجای تلاش برای احیای فرهنگ

آموزش و پرورش در پاره‌ای از شهرها، ازبه از پیروزی انقلاب، بجای تلاش در راه زودن آثار بافت و احیای فرهنگ سالم و پاکسازی زنگار شاهنشاهی از محیط مدارس و فراهم آوردن شرایط بهتر تحصیلی برای میلیون‌ها دانش آموز ایرانی که در رژیم شاهنشاهی از آن محروم بودند، گوی تمام تلاش خود را صرف بقول برخی «چپ‌زدائی» کرده است و این خود باعث بسیاری از اختلافات و درگیری‌ها در مدارس شده است.

اعلام جرم علیه روزنامه جمهوری اسلامی

روزنامه جمهوری اسلامی که در روزها و افتراهای آن علیه حزب توده ایران روز بروز افزایش می‌یابد، کار افترا را در شماره ۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۸ به اوج خود رسانده است. این روزنامه در مقاله «منهوی استقلال ساش با شرق نیست» از حزب توده ایران بنام «ستون پنجم روسها در ایران» نام برده است.

چین هم مانند آمریکا به پاکستان اسلحه می‌دهد

حکامیهای رژیم شیاهالحق با برتری طلبان یکن گسترش می‌یابد. یک هیئت نظامی چین در پاکستان با مقامهای این کشور مذاکره کرده و در راه همکاریهای نزدیک دو کشور بویژه در زمینه نظامی انجام میدهد. قرار است که در امداد ارسال سلاح به پاکستان را افزایش دهد. مقادیر زیادی از این سلاحها در اختیار گروههای افغانی در پاکستان قرار خواهد گرفت. چین در حالی ارسال سلاح به پاکستان را افزایش میدهد که آمریکا میلیونها دلار سلاح برای ارسال به پاکستان اختصاص داده است.

هم آوایی با ارگان‌های تبلیغاتی امپریالیستی

صداسیماي جمهوری اسلامی ایران روز ۲۴ اسفند، ۸ خبر و روز ۲۵ اسفند ۱۳ خبر از خبرگزاریهای امپریالیستی و صهیونیستی فرانسه، آسوشیتد پرس، یونایتد پرس و رویت نقل کرد. اگر متجنی هم آوایی صداسیماي جمهوری اسلامی ایران با ارگان‌های تبلیغاتی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را رسم می‌کردیم، شاید امروز به یکی از نقاط عطف آن می‌رسیدیم. البته به شرط آنکه بر این منحنی سیر نزولی متصور بود. ولی ظاهراً این راه هنوز روبه بالاست و دست اندکاران صداسیماي جمهوری اسلامی ایران هنوز به راه انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک و خلقی ایران، گام ننهاده‌اند.

۸ خبر از قول خبرگزاری فرانسه، ۲ خبر از رویت، ۱ خبر از یونایتد پرس و ۲ خبر از آسوشیتد پرس پرونده خوبی نیست. اما البته ۲ خبر از نماینده رادبولتون، که در برنامه‌های دیگر قایب بوده، امیدوار کننده است. و ما به انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک و خلقی ایران و نیروی توده‌ها امید بسیار داریم.

Table with 4 columns: نام خبرگزاری, ساعت, ساعت, ساعت. Rows include: آسوشیتد پرس, فرانسه, یونایتد پرس, رویت, خبرگزاری‌ها.

نرخ تورم در انگلستان با سرعت روبه افزایش است

نرخ تورم در جهان سرمایه‌داری با سرعت فراوان روبه افزایش است و زحمتکشان شدیداً زیر فشار قرار گرفته‌اند. بنا به آمارهای منتشر شده در انگلیس، نرخ تورم در دو ماه سال جاری در این کشور بطور متوسط ۹/۱ درصد بوده است. بدین ترتیب حد تصاب سال گذشته تا کنون شکسته شده است. سال گذشته افزایش نرخ تورم در انگلیس حدود ۸/۵ درصد بود.

ژرژ مارش، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، از دولت فرانسه خواست که سازمان آزادیبخش فلسطین را بوسمیت بشناسد

ژرژ مارش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، طی نامه‌ای، از وزرای بیگانه‌دین در این کشور خواستار شد که دولت فرانسه سازمان آزادیبخش فلسطین را بوسمیت بشناسد و با سرحدات رهبران سازمان را برای دیدار رسمی به فرانسه دعوت کند. ژرژ مارش در این نامه خاطر نشان میکند که شناسایی رسمی این سازمان و دعوت از باسراقرات رهبران به فرانسه، علاوه بر اینکه حیثیت جهانی فرانسه را بالا خواهد برد، در عین حال دلیل عینی آن خواهد بود که راه مذاکرات برای حل و فصل سیاسی مسئله فلسطین باز است.

چین هم مانند آمریکا، آرزوی بازگشت رژیم جنبانیکار سابق را در کامبوج، در سر می‌پروراند

دولت کامبوج دیدار خوسامان عروسک خیمه‌بنازی چین و آمریکا را از یک، که بتوان در هر کامبوج، (۱) مورد استقبال مقامهای چینی قرار گرفت، یک کمیدی مسخره خواند. رادویی پتو هم اعلام کرد که دیدار این مرد مائوئیست از چین نشان میدهد که برتری طلبان چینی با همکاری امپریالیسم آمریکا، آرزوی اعاده وضع سابق را در کامبوج در سر می‌پروراند. رادویی پتو هم گفت که این آرزویی است که نقش بر آب میشود و خلق کامبوج دیگر مرکز به درون ترور و وحشت گذشته باز نخواهد گشت.

آمریکا رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی را مسلح می‌کند

نشریه «آفریک-آزی» از پیوندهای نظامی جنبانیکار آمریکا با رژیم نژادپرست پر توریا برده برداشته است. این نشریه می‌نویسد که سالها است مخالفان آپارتاید ارسال غیر قانونی سلاح از سوی آمریکا به آفریقای جنوبی را توجیه میکنند. برخلاف اعلامیه‌های دولت آمریکا مبنی بر اینکه این اتهام‌ها با اسلحه بسی اساسی است، حتی روزنامه‌های آمریکایی مانند واشنگتن پست نیز آنرا تایید کرده‌اند. آمریکا مقادیر عظیمی سلاح به آفریقای جنوبی ارسال می‌دارد. آمریکا همچنین از طریق کشورهای ثالث برای آفریقای جنوبی اسلحه ارسال می‌دارد. امپریالیسم آمریکایی همچنین تکنولوژی پیشرفته تسلیحاتی را در اختیار رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قرار میدهد. همه این اقدامها برخلاف تصمیم شورای امنیت در مورد تحریم تسلیحاتی آفریقای جنوبی صورت می‌گیرد.

لدارکات خرابکاری توسط سیا علیه جمهوری دمکراتیک خلق یمن

نشریه «الهدف» گزارش داد که عده‌ای از نمایندگان فرادین دمکراتیک، در مسر زیر نظر کارشناسان سازمان سیا آموزش می‌بینند و قرار است از این عده برای خرابکاری استفاده شود. الهدف اضافه کرده که طبق طرح سازمان سیا، این عده قرار است با ناوچه‌های مصری، که بر روی آنها علائم جمهوری دمکراتیک خلق یمن نقش بسته است، به کنش‌های نفت کش حمله کنند و سازمان سیا را نمود سازد که گویا جمهوری دمکراتیک خلق یمن در این حملات دست داشته است.

باصلحای بیطرف کردن افغانستان یک توطئه آمریکایی - چینی است

شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، در نطقی گفت که آمریکا، چین و دیگر کشورها در امور داخلی افغانستان مداخله می‌کنند و در همان حال طرح‌هایی مانند باصلحای بیطرف کردن، افغانستان را، پس از آنکه توطئه‌های گوناگون علیه افغانستان خنثی شده است، علم کرده‌اند.

شاه محمد دوست اضافه کرد که مردم افغانستان پاسخ دندان شکن به این توطئه‌ها داده و نشان داده‌اند که هیچ قدرتی اجازه داده نمی‌شود در امور داخلی افغانستان مداخله کند.

چین هم مانند آمریکا به پاکستان اسلحه می‌دهد

حکامیهای رژیم شیاهالحق با برتری طلبان یکن گسترش می‌یابد. یک هیئت نظامی چین در پاکستان با مقامهای این کشور مذاکره کرده و در راه همکاریهای نزدیک دو کشور بویژه در زمینه نظامی انجام میدهد. قرار است که در امداد ارسال سلاح به پاکستان را افزایش دهد. مقادیر زیادی از این سلاحها در اختیار گروههای افغانی در پاکستان قرار خواهد گرفت. چین در حالی ارسال سلاح به پاکستان را افزایش میدهد که آمریکا میلیونها دلار سلاح برای ارسال به پاکستان اختصاص داده است.

منافع خویش را در کل منطقه می‌بیند و بهین دلیل اینسان وحشت کرده است. وحشت او بجاست. قرن ما، قرن پیروزی خلقها و زوال محتوم سیمپور سرمایه‌داری جهانی و امپریالیسم است و هیچ اختناری برای مردم ایران از آن بالاتر نیست که انقلاب آنها، یکی از طابع ترین ضربات را بر این پیکره منحوس وارد سازد.

فعالیت‌های بورژوازی لیبرال و کارشکنیهای بورژوازی لیبرال... یکی دیگری را بگوید. میکوشد تا تبلیغ افسانه «خطر شوروی»، انقلاب ایران را از بزرگترین دوست و متحد خود جدا سازد و مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران را متوقف کند. ولی امپریالیسم آمریکا، هیچ خلعتی نمی‌کواند بکنند (امام خمینی). او خود ام القاد است و خودموجد خطر برای ما و دیگر خلق‌های تحت ستار است. بودجه ۱۹۷۷ میلادی ولاری نظامی امپریالیسم آمریکا

و گسترش یابد، بیش در پیروزی قلی انقلاب، نقش بی عظمی ایفا خواهد کرد. بورژوازی لیبرال در طول یکسال پس از انقلاب، خود را به شدت متعصب و رسوا ساخته است. هر چند این قش از سرمایه‌داری هنوز مواضع مهمی را در قدرت سیاسی در اختیار دارد، ولی روز بروز بیشتر راه افراد و نابودی می‌یابد. ضرورت چیه؟ محض خلق هر روز در بوته مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی بیشتر می‌گدازد و صفوف نیروهای تشکیل دهنده این چیه هر روز پیش از روز قبل، در عمل به یکدیگر پیوند می‌یابند.

بقیه از صفحه ۱۰ خندا امپریالیستی و خلقی آن رشد بیشتری می‌یابد. این تلاشها نه زنده‌دنی، دیوانه‌وارتر و خنثی‌آلود می‌شوند. در یکساله پس از انقلاب عظیم و تاریخی ایران، قش بندی میان طبقات جامعه، سرعت بی نظیری گرفته است. دهقانان که در دوران انقلاب تخت، نهایت و علاقتندی اندکی از خود نشان میدادند، اکنون در پیروزی این انقلاب و به فرجام رساندن آن، خود را سهم می‌یابند. مبارزه ضد فئودالی و ضد زمینداری بزرگ، مبارزه برای زمین در دستهای کشور فئالی بسا بقهائی یافته است. روندی که اگر به روال قلی پیش رود

دستور زبان و حساب برای آقای نازک بین

از آنجا که متاسفانه کلاس های اکابر هنوز تشکیل نشده است، نویسنده گان «نامه مردم» تصمیم گرفتند برای برخی از افراد که خیلی «نازک بین» تشریف دارند و هنوز برخلاف دستور امام درباره پیچیدگی برای سواد آموزی، در کلاس های مربوطه شرکت نکرده اند، کلاس تشکیل بدهند.

از آنجا که شرکت در سواد آموزی وظیفه انقلابیون است و باید با گذشتن سواد و پیشین اجتماعی به دیگران کمک کرد که راه را از چاه بپوشانند اولین کلاس را برای آقای «نازک بین» تشکیل میدهم. البته مجبوریم ایشان را در کلاس پایه بنشینیم و در این کلاس دریا جمع بستن در زبان فارسی و نحوه جمع بستن اعداد در فارسی کمی صحبت میکنیم. (از خوانندگان «نامه مردم» خواهشمندیم که سطح پایین این کلاس را تحمل کنند).

درس اول: اسامی جمع را چگونه تشخیص بدهیم

در زبان فارسی اسامی را با اضافه کردن «ان» و یا «ها» جمع میکنند.

مثلاً «کاندید» یک اسم مفرد است، که به معنی «نامزد» است. برای جمع بستن این اسم یک «ها» به آن اضافه می کنیم. پان «کاندیدها».

اگر با در انتخاب شرکت کنیم و «کاندیدی» ما، یعنی یک نفر، در زمان طغوت زندانی شده باشد و بخواهیم این مسئله را عنوان کنیم،

- ۲۲ احمد برادران آهنگر
- ۲ علی اسفندیاری
- ۱۸ هاشم پیرانی
- ۳ علی قرایی
- ۳ جعفر چاریدفر
- ۲ حسین چورت
- ۴ حبیب الله حبیبی
- ۲۵ عباس حبیبی
- ۸ محمد حقیقت
- ۲ ابوالحسن خلیب
- ۳ مرادعلی خورشیدی
- ۱ حسین زراسوند
- ۴۵ احمد زرکش
- ۱۵ تیمور شکوریان
- ۲۵ رضا شلتوکی
- ۲ حسین شیموانی
- ۵ اسفندیار صادق زاده
- ۴ احسان طبری
- ۲۵ محمدرضا عوفی
- ۱۶ حمید فام نریمان
- ۴ عباسعلی فرهادیان
- ۶ محمد قاضی
- ۱ حسین قلچر
- ۲ محمد کاظمی
- ۲ نورالدین کیانوری
- ۲۵ تقی کیوش
- ۱۲ سابر محمدزاده
- ۱۵ رضا نبائی

اعداد در زبان فارسی است. مثلاً همه میدانند که یکی از فاتحان شکنجه گاه شاه، یعنی مصطفی عوفی ۴۵ سال در زندان طاغوت گذرانده است. او قربان باقرزاده هم همینطور. حال برای اینکه مدت زندان این دو قربان رویم تعیین شود، آنها را باید با هم جمع بکنیم. باین ترتیب که دوبار عدد ۲۵ را زیر هم مینویسیم، باین شکل:

$$\begin{array}{r} 25 \\ + 25 \\ \hline 50 \end{array}$$

برای بدست آوردن نتیجه، اول اعداد دست راست را با هم جمع میکنیم: پنج باضافه پنج میشود ۱۰ صفر در ده مرتبه حاصل جمع می نویسیم و یک باقیمانده را با اعداد سمت چپ جمع می کنیم، که یک باضافه ۲۵ میشود پنج. باین ترتیب نتیجه زیر بدست می آید:

$$\begin{array}{r} 25 \\ + 25 \\ \hline 50 \end{array}$$

برای اینکه بتوانیم مقدار زندان «کاندیدها» را اگر در این فاصله «نازک بین» جمع بستن را با دهه فراموش نکرده باشد، بدست بیاوریم، مقدار زندان آنها را به شکلی که در بالا دیدیم، جمع می کنیم و رقم ۲۵۸ سال بدست می آید، یعنی نزدیک به قرن: مدت زندان

درس آخر

اما درس آخر کلاس ماینست که یاد گرفتن در سبای بالا دردی را درمان نمی کند:

اگر ناسزاها و افتراها و دروغهای دشمنان حزب توده ایران را که دشمنان انقلاب ایران ناساخته و یا نادانسته تکرار کند.

درس دوم: اعداد را چگونه در فارسی جمع کنیم

درس بعدی مادرانه جمع بستن



ضد انقلاب باز هم به محل فروش نشریات حزب توده ایران در سقر حمله کرد

خبر حمله به محل فروش نشریات قبل از انجام، در نشریه «کومله» درج شده بود!

بدنبال حمله عوامل ضد انقلاب به محل فروش نشریات حزب توده ایران در سقر و خانه یکی از هواداران حزب در این شهر، سازمان حزب توده ایران در سقر ضمن صدور اطلاعیه ای، توطئه های جدید عوامل ضد انقلاب را افشا و محکوم کرد.

آن واقعه را تبیین می کردند و اظهارات جارمی نمودند. در ده ها پام کردند و مارا دلنداری دادند و به مبارزه تشویق کردند. گفتیم که ما نظام شاهنشاهی را که از حمایت آمریکا برخوردار بود، نابود کردیم. اکنون هم می توانیم دشمنان صلح و آزادی و انکلهای جامعه را سده تر از گذشته بشناسیم و از خود دور کنیم. گفتند که می خواهند شما کمک کنید تا باز ذکة دامنش از پیش و بهتر از قبل بسازیم و گفتند که یار ما هستند. خوشحال شدیم و بخندیدیم.

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت تفکین و منفور خاندان پهلوی در راه آزادی ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده اند، جمع آوری کند. از همه میهن دوستان آزادی خواهان تقاضا می شود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. یاسپاس - «مردم»

خواندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیر با «مردم» مکاتبه کنند

بلژیک
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles

فرانسه
Rigal Albert
BP 75160
75001 Paris
France

سوئد
Box 27730
27230 Stockholm

ایتالیا
Pci, Shama

Via G. Vincon, 46
Ostia (Roma)

Tel. 0614922 (TUDH)

کتاب های عامل رژیم شاه مخلوع توصیه میشوند!

شورای کارکنان کتابخانه های عمومی تهران ضمن نامه ای به وزیر فرهنگ و آموزش عالی، به نوع کتاب های ارسالی از دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های کشور به کتابخانه ها اعتراض کرد.

در نامه این شورا ضمن اشاره به ماهیت انقلاب ایران و نیازهای پس از انقلاب جامعه ایران آمده است:

... همه آنان که به این انقلاب و بهای گرانی که خلق جانباخت ایران برای آن پرداخته است، مومن اند، وظیفه خود میدانند با جان و دل از آن پاسداری کنند. کارکنان کتابخانه های عمومی بنابه شکل و حرفه خاصی که دارند، باید از طریق عرضه کتب سودمند و انقلابی و ارتقاء سطح آگاهی جامعه به حفظ و تعمیق انقلاب در حد توان خویش یاری رسانند. متاسفانه تلاش و کوششی که هیات سایر ارگان های مملکتی برای ایجاد تغییرات در این ارگان ها و تحول انقلابی ماهیت آنان از طرف کارکنان کتابخانه های عمومی بعمل آمده، تا به حال با سکوت و بی تفاوتی مقامات مسئول مواجه شده است.

در دنباله این نامه اشاره شده است که پس از پیروزی انقلاب هیچگونه دستورالعملی مبنی بر تصفیه کتاب های مبتذل و درباری و وابسته به رژیم سابق، که جای بسیار بزرگی را در کتابخانه های عمومی اشغال کرده بودند، از طرف این مقامات صادر نشده و خود کتابداران را با به خارج نمودن کتب مذکور

دست داشتند، بدفتر مردم مراجعه کردند و خبری را که در شماره ۱۹۰ «نامه مردم» درج شده بود. درباره اینکه در مدرسه عبدالله در هنما تفتیش عقاید وجود دارد، تکذیب کردند.

«نامه مردم» ضمن درج این مطلب خود به تحقیق در این مورد ادامه خواهد داد و نظر خود را اعلام خواهد کرد.

مرزهای ایران و عراق بدون حفاظ است

نیروهای عراقی روز ۲۱ بهمن با استفاده از خالی بودن پادگان ابوذر سرپل ذهاب از افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران، به پاسگاه های مرزی کشور، حمله کردند.

بر اساس اطلاع رسیده، افراد این پادگان که در پاسگاه گرده نو و پله کوه مستقر هستند، در این روز به عنوان شرکت در رژه سالروز انقلاب محل خدمت خود را ترک کردند و عراقی ها با استفاده از مرزهای بدون حفاظ، به این پاسگاه ها حمله کردند. در جریان این حمله ۲ زاندارم مجروح شدند.

به دنبال این واقعه مسئول سپاه پاسداران قصر شیرین به فراخوان نیروهای ارتش اعتراض و اعلام کرد که:

«مرز ایران و عراق برای رفت و آمد بازرگانی و روابط نظامی از رشت و آمده جلوگیری نمی کنند. به همین جهت مهاجمان عراقی آزادانه و به سادگی به شهرهای مرزی و پاسگاه مرزی پله کوه و گرده نو حمله می کنند.»

مقامات مسئول مملکتی تاکنون هیچ اقدامی در این مورد انجام نداده اند و استناداً بر گفته های نیز سر میا اعلام کرده است که زاندارم نمی تواند مرز را کنترل کند.

دولت بهشی عراق، از دشمنان انقلاب ایران و از جمله توطئه گران علیه منافع واقعی مردم ایران است. تحرکات این رژیم

تکذیب

چند تن از دانش آموزان مدرسه راهنمایی تحصیلی عبدالله در هنما، که دوتن از آنان کربت نمایندگی دانش آموزان را در

توجه!

جله «پوشش و پاسخ» این هفته به مناسبت میدون روز تشکیل میشود. از هفته آینده جلسات «پوشش و پاسخ» و روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

منتشر شد رفقا

(رمان ادبی)
تألیف ای. متر
ترجمه شهید

MARDOM
No. 195
18 March 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلقت با دداز نظم نظامی محو شود